

شکست صدام قطعی است، ولی نبرد با آمریکا ادامه خواهد داشت

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۷۶
 یکشنبه ۲۲ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
 ۱۲ محرم ۱۳۰۱ هجری قمری، ۱۵ دیال

و در نتیجه مردم فارسی شده‌اند. در زمینه نظامی، جمهوری اسلامی ایران ارتش دارد، که در آن کسکس جای اضیاط را گرفته، بقیه در صفحه ۲

اقتصادی از یکسو و عدم کفایت تولید داخلی از سوی دیگر، باعث کمبود کالا و گرانی روزافزون شده، احتکار و سودجویی، این کمبود و گرانی را زورنی بخشیده

که از پشت عینک امپریالیسم آمریکا و سازمان سیا، دقیق و درست بنظر میرسد، ولی در برخورد با واقعیاتی که امپریالیسم و ارتجاع هیچگاه قادر به دیدن آنها نیستند، همچون جناب‌صایون ترکیب.

شکست تجاوز نظامی داروستانه صدام به کشور ما قطعی است و هم‌اکنون این تجاوز نظامی از لحاظ هدف سیاسی و براندازی جمهوری اسلامی ایران، که در برابر خود نبوده، شکست خورده است.

تجاوز بر مبنای این محاسبه انجام گرفت که، جمهوری اسلامی ایران با مشکلات متعددی در زمینه‌های اقتصادی و نظامی و سیاسی روبرو است؛ در زمینه اقتصادی، تحریم

تجاوز نظامی داروستانه صدام به کشور ما، که شش‌مین توطئه امپریالیسم آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی ایران بوده، بر مبنای محاسباتی انجام گرفته،

پرونده سازی علیه حزب توده ایران محکوم است و عاقبت هم ندارد

☆ پرونده سازی علیه حزب توده ایران عملی است تفرقه آفرین، تحریک آمیز، غیر قانونی، غیر اخلاقی و به زیان انقلاب

۱- در تاریخ ۲ آبان ۵۹، هنگامیکه زمان نامه مردم بواسطه تعطیل موقت بدون دلیل آن، بسته بود، در مطبوعات، خبری سرپا کذب محض و افتراء آمیز از قول خبرنگار خبرگزاری پارس انتشار یافت که پس از انتشار دوباره نامه مردم، در تاریخ ۱۹ آبانماه ۵۹ بطور مفصل و جزء به جزء به آن پاسخ داده شد و ماهیت ساختگی آن روشن گردید. عنوان این پرونده سازی همواره استفاده حزب توده از بیت‌المال و صداقت مردم جنوب شهر تهران بود.

۲- در تاریخ ۱۸ آبانماه ۵۹ «روابط عمومی دادرسی انقلاب اسلامی مرکز» در ارتباط با وقایع سومین روز محاکمه محمدرضا سعادت، طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد:

«اکثر کسانی که در رابطه با توزیع اوراق متنوعه بازداشت شده‌اند، روزنامه مجاهد و مردم و اوراق مربوط به حزب توده بدست آمده است و آیا این پیوند حکایت از چه میکند»

(صبح آزادگان، ۱۸ آبان ۵۹)

دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بلافاصله در همانروز این مطلب را قاطعانه تکذیب کرد و اعلام داشت که اگر کسانی در چنین کاری شرکت کرده باشند، هیچگونه ارتباطی با حزب توده ایران ندارند و عمل آنها از جانب حزب ما، تحریک و پرونده سازی تلقی میشود.

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در سخنرانی‌های اخیر خود از روی دلسوزی عمیق به سرنوشت انقلاب ایران با تأکید فراوان، همگان، از شخصیت‌ها تا جراید را به پایان دادن به جو کسکس و ستیز، تفرقه افکنی و تحریک فراخواندند. ستونین درجه اول جمهوری اسلامی ایران نیز ضرورت حفظ اتحاد و اجتر از تفرقه را بنظور مقابله با شیطان بزرگ - آمریکا و شیطانهای کوچک، از جمله تجاوزگران صدامی، بارها و بارها یادآوری کرده‌اند، و این امر ظاهراً مورد تأیید همگان واقع شده است.

اما متأسفانه - از گذشته که بگذریم - حتی در دوران پس از جنگ نیز محافل و عناصر و نیروهای معینی، که خود در حرف از ضرورت وحدت و اجتر از از تحریک و تفرقه و پیروی از خط امام، بسیار سخن میگویند، در عمل نه فقط به دشنامگویی و افتراء زنی به حزب توده ایران پرداخته‌اند - که خود عملی است زشت، تحریک آمیز و تفرقه آفرین، بلکه به پرونده سازی علیه حزب توده ایران نیز اقدام کرده‌اند، یعنی آگاهانه یا ناآگاهانه، عمل فادرستی را، که حتی حزب توده ایران فکر آنرا نیز به ذهن خطور نکرده، به توده‌های پست منتسب کرده‌اند، تا از این عمل، ظاهراً به نتایج معینی، که بیشک به سود انقلاب نیست، دست یابند. مادرزید چند نمونه از این پرونده سازی را می‌شماریم:

بقیه در صفحه ۲

بر اثر شبیخون مدافعان انقلاب، تجاوزگران صدامی در امتداد جاده‌های آبادان یک کیلومتر عقب رانده شدند

به گزارش صدای جمهوری اسلامی ایران، به نقل از واحد مرکزی خبر در کرمانشاه، جنگ در تمام جبهه‌های غرب کشور همچنان ادامه دارد و توجخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران، مواضع متجاوزان صدامی را زیر آتش گرفته‌اند.

به گزارش دفتر مرکزی خبر و خبرگزاری پارس صلاحت ۱۷ جمعه، ۵ فروردین هلیکوپتر هوانیروز، مواضع سنگرها و تجهیزات دشمن یعنی در جبهه سومار را مورد حمله قرار دادند و خسارتهای زیادی به مزدوران صدام وارد کردند. به گفته یکی از برادران پاسدار انقلاب اسلامی مستقر در جبهه سومار، انفجار و آتش سوزی یک انبار بزرگ مهمات دشمن در این منطقه، حدود ۴ ساعت ادامه داشت و خسارات سنگینی به دشمن وارد شده است.

به گزارش صدای جمهوری اسلامی ایران در ساعت ۱۴ دیروز، «آخرین خبر رسیده از جبهه سومار حاکیست که دلاوران ما پس از تصرف مواضع دشمن و غلبه بر متجاوزان، هم‌اکنون با شجاعت فراوانی به ستیز با دشمنان مشغولند و سعی آنها بر اینست که هرچه زودتر منطقه را از لوث وجود مزدوران پاک کنند».

به گزارش خبرگزاری پارس از منطقه دالاهو، در سه روز گذشته، نبرد در منطقه ریجاب و بزرآباد ادامه داشته است.

خبرنگار دفتر مرکزی خبر از این جبهه گزارش داد که در منطقه ریجاب، فدائیان امام خمینی و پاسداران، در عملیات بخش کردند غرب، طی یکسری عملیات موفقیت آمیز در خوددوری مزدوران یعنی بقیه در صفحه ۲

اسلام آمریکائی سادات در مقابله با اسلام انقلابی امام خمینی محکوم به شکست است

چند روز پیش خبر گسارزها گزارش دادند که به اصطلاح جامعه خلقهای عرب و مسلمانان اجلاس موسسان خود را در قاهره برگزار میکنند.

اگر انتخاب قاهره، بمنوان محل تشکیل این گردهمایی، بخودی خود مشکوک بود، ترکیب شرکت کنندگان در آن و بویژه سخنرانی گشایشی انور سادات کوچکترین شبهه‌ای درباره ماهیت راستین ان باقی نگذاشتند.

باصلاح نمایندگان ایسن اجلاس، نه تنها منتخب خلقهای عرب و مسلمان نبودند، بلکه سادات خود زحمت «انتخاب» آنها را بعهده گرفت و آنها را مامور تنظیم «متن» «جامعه» گذاشت کرد از جمله «برگزیدگان» نامدار «جامعه» خلقهای عرب و مسلمان، یک فراری افغانی است، بنام حاجتی، که در پیشاوره پاکستان «هایگاه» دارد «رجل» نامبرده، به حکم سادات، بمنوان نایب رئیس «جامعه» انتخاب شده است. منابع غربی، با اشاره به این واقعیت که، علاوه بر «مبارزان» افغانی، تنها دولت سودان از دعوت سادات رسماً پشتیبانی

کرده است. شکست این آخرین شگرد حوامفریبانه انور سادات را نیز خاطر نشان ساخته‌اند.

انور سادات، که اینک دیگر علناً به نوکری امپریالیسم آمریکا میبازد، در این گردهمایی بار دیگر افتراء کرد که به «مبارزان قهرمان افغانی» کسکسهای نظامی و مالی میدهد، البته منسون این افتراء برای نظران سیاسی چندان شکفت انگیز نبود، چه حتی جارجیان مزدور امپریالیسم نیز، که برای منحرف کردن اذهان عمومی از هدفهای چهارم - گرانه و تجاوزکارانه اربابانستان، بویزی علیه خلقهای مستبدیده و کشورهای مترقی منطقه خاورمیانه، ماهیست که کززار درویدادهای افغانستان را برای انداخته‌اند، بارها از حمایت همه جانبه سادات به استراخ افغانی گزارش داده‌اند. برای نمونه، در همین پایگاه حاجتی در پیشاوره، «کرتستان» مصری، دوش بدوش اربابان آمریکایی و همقطاران چینی خود، به آموزش خرابکاران افغانی مشغول هستند.

نمایش جدید قاهره هنگامی بقیه در صفحه ۲

نه، این قافله را سر بازا ایستادن نیست

رفیق قهرمان، حجت ذوالفقاری، جان خویش را نثار انقلاب کرد



مجرور را به بیمارستان می‌رسانند. بر درنگ کسی از سنگر توده‌های پر خاست، رگباری نثار دشمن کرد و فرمان خود را به مجروح رساند. او رفیق حجت بود که چنان بیباک به خانه مرگ میرفت. مرگ آنجا بود، همانجا. پیوسته از دهان سلسله‌ها بیرون می‌آمد. دشمن هدیه‌ای غیر از مرگ نداشت.

رفیق حجت سلسله را حمایت کرد، مصدوم را، که فریاد میزد: «الله اکبر، خمینی رهبر» به شانه انداخت و درید. درید، درید و ناگهان ایستاد. قطعه‌ای از یک گلوله (آرپی. جی. ۹۰) بر پیکر قهرمانش زهر مرگ ریخته بود. رفیق حجت زانو زد، اما برخاست. مصدوم هنوز بر شانه‌اش بود. خواست راه بیفتد. قدمی بقیه در صفحه ۲

رفیق مبارز دیگری به تبار خونین توده‌های بیوست. رفیق قهرمان دیگری جان خویش را نثار انقلاب و آرمان حزب طبقه کارگر کرد.

ظهر ۲۷ مهر ماه ۱۳۵۹، خونین شهر در دود و خون می‌گریید. یورش مزدوران صدامی - دژخیمان امپریالیسم آمریکا به شهر شدت یافته بود. رزمندگان خلق در سنگرها می‌رزمیدند. زیر آسمان تفتزده خونین شهر، بانگ خلقی که از انقلاب خویش، از خاک خویش، از خانه خویش، یا ذره ذره خونت دفاع می‌کرد، توفان کرده بود. پاسدار ارتش، توده‌ای، دارطلبان همه و همه بازو در بازو، با فریاد: مرگ بر آمریکا، دزد بر خمینی، به پیشواز مرگ می‌رفتند، تا چکمه‌های خونین دژخیم خلقوطن

در صفحات بعد

تخصص یا ایمان انقلابی؟

منه ۲

تحکیم مناسبات دوستانه با کشورهای عضو جبهه پایداری، سیاسی است لازم و درست

منه ۲

استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا، کشور های در حال رشد را با خطری جدی روبرو میکند

منه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

پیام شید عسکر دانش به شهیدان زنده رزم آوران جنگ میهنی

پیام

میایم آسترهد بام سرخ آرزوها را بستگر امدی، شب از میان برخاست رفیقا! همراها! در آتش قلبت نگهبان دل ما باش درفش سرنوشت هشق ما را خوش به بازوگیر کمرگاهی ست صعب و دشمنان همدار هلا! هشیار!

به خونین شهر و آبادان چراغ و چشم ایران باش تفنگت را به غرش آرد و سرکن نغمه پیکار

وطن بی تاب، آبستن، به خون غلطان سیاوش وار از آذر گذرکن هان! به تمییدی دگر نوزاد فردا باش شتاب آور! گدازان شو!

برومند و جوان تشیل میهن باش به اردوی شرف سرباز جانبازی سر دار از برندن، سر بلندی مروسان می باش تو میمیرگی و ققنوسی عقاب دور پروازی به پرواز و به پویش باش نهال نازک فردای روشن را هم پیک باغبان خنجه های ترد رویش باش جهان - مهرماه ۵۹

پرونده سازی علیه...

بقیه از صفحه ۱

۳- روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۵ آبانماه ۵۹ به نقل از حجت الاسلام محمد یزدی نماینده مردم قم، نوشت که حجت الاسلام یزدی در اجتمع مردم قم، در ارتباط با تظاهراتی که در قم بنفع قضایه انجام گرفته، گفته است: «آن کسیکه عضو حزب توده است، در این حرکت فعالانه شرکت داشته!»

روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۶ آبانماه ۵۹ نیز به نقل از «رهنما» کمیته امور سفیر، می نویسد:

«دیدیم که در بازار اسلامی منافقین و توده ای ها در حمایت از آزادی بیان شمار تفرقه سر میدادند!»

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در تاریخ ۲۶ آبانماه ۵۹ ضمن آنکه اعلام کرد این اتهامات حتی جنی هم نمیتواند قلمی شود، آنها قاطعانه تکذیب کرد.

۴- و سرانجام هاشم صباغیان، در ارتباط با هجوم به دفتر روزنامه «میزان»، توسط گروهی که خود را «جوانان جنوب شهر» نامیده بودند، اظهار داشته بود که:

«من اعتقاد دارم که اینها از طرف حزب توده و دیگر گروه های افراطی تحریک شده اند.» (کیهان، ۲۹ آبان ۵۹)

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، همانروز این اتهامات را قاطعانه محکوم و بشدت تکذیب کرد و آنرا «یک تمسب، پرونده سازی و تحریک آشکار علیه حزب توده ایران» نامید.

متأسفانه علیرغم تکذیب مکرر و قوری این اتهامات ساختگی و زشت پرونده سازی علیه حزب توده ایران هنوز قطع نشده است، و تاسفبارتر آنکه مسئولین امر با بحال برای توقیف ساختن این پرونده سازیها و اعمال تفرقه آفرین و تحریک آمیز و تشجیزا، اقدامی جنی صورت نداده اند.

باید برای صدمین بار تکرار کرد که پرونده سازی علیه حزبی که صدقانه و با تمام قوا از بدو انقلاب، از دستاوردهای آن و جمهوری اسلامی ایران دفاع کرده است، اولاً عملی است که بیبوجوبه به مبارزه سیاسی شباهت ندارد، ثانیاً در شرایط بس حساس فعلی، که هرگونه تفرقه افکنی و تحریک، به اذعان همگان، مستقیماً به نفع امپریالیسم آمریکا و تجاوزین صدامی تمام میشود، اقدامی است به زیان انقلاب و بسود دشمنان آن، ثالثاً چنانکه تجربه نشان داده است، دود اینگونه پرونده سازیها سرانجام بچشم خود پرونده سازان خواهد رفت، لذا عاقبت ندارد!

حزب توده ایران به پیروی از سخنان دزدآلود اخیر امام خمینی و نیز به پیروی از مشی اصولی و انقلابی خود در تجمع تمامی قوا برای حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به این پرونده سازیها، تنها با تکذیب آنها، آنهم برای استحضار همگان، دست نورد می کند. اما بر مسئولین جمهوری اسلامی ایران، بویژه سید تیفه، شورای عالی دفاع است که قانون را برای همکن به یکسان مرعی دارند و پرونده سازان علیه حزب توده ایران را نیز، که افترا میزنند و تفرقه افکنی می کنند به رعایت موازین قانونی و اصول اخلاقی مکلف سازند.

شکست صدام...

بقیه از صفحه ۱

و نیز محتاج قطعات یدکی، در نتیجه فاقد قدرت جنگی است. در زمینه سیاسی نیز از یکسو ضدانقلاب متشکل فعال است و پنبه ضدانقلاب پاتوق توانگر، و از سوی دیگر مردم نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یا ناراضی اند و یا بی تفاوت، ضمن اینکه هیئت رهبری ایران دچار کشمکش و اختلاف است. پس، برینای این محاسبات - انقلاب و جمهوری اسلامی ایران آسیب پذیر شده است و اگر ضربه سختی، بصورت تجاوز نظامی ناگهانی، بر آن وارد آید، درهم فرو خواهد ریخت، یا انجام یک کودتای ضدانقلابی امکان پذیر خواهد بود و یا حداقل پسولت در منطقه ای از خاک ایران، که سرعت اشغال خواهد شد، یک «ایران آزادی» با حکومت یک «بختیاری» بوجود خواهد آمد، که این «ایران آزاد» به کمک «قانونی» و علنی هموسامه رژیم جمهوری اسلامی ایران راهم چون «راحت الحلقوم» خواهد پلیمید.

برینای این محاسبات ششمین توطئه آمریکا - تجاوز نظامی ناگهانی داردمسته صدام به کشور ما آغاز شد، ولی شکست خورد. در برابر چشمان حیرت زده امپریالیسم یانکی و کارگزار عراقیش، مردم ایران یک تنه برای مقابله با دشمن متجاوز پناخواستند، مشکلات موجود را تحمل شدند، بگرد امام خمینی یکپارچه حلقه زدند، معلوم شد که غیر از ارتش، خلق انقلابی بصورت پاسداران و داوطلبان، دارای رزمندگان از جان گذشته است که چنانچه حماسه های آفرینند. معلوم شد که، ارتش قدرت رزمی بیشتری کسب کرده است و می تواند دلیرانه مقاومت کند. معلوم شد که هر شهر و روستا یک «پادگان مقاومت» است. میل کمک از همه جای ایران بسوی جبهه جنگ روان شد، و معلوم شد که پشت جبهه استوار و نیرومند و فعال و متحد است.

بدبختی امپریالیسم و بطور کلی ازبخت در این است که، در همزغ او دستگاهی برای محاسبه توانائی خلق ها تهیه نشده است. امپریالیسم و دست نشانده گانش هیچگاه نتوانسته اند، نمیتوانند و نخواهند توانست، خلق و قدرت خلق را به حساب آورند و در محاسبات خود وارد کنند. در هر جنگی، عامل سرنوشت ساز، نیروی مردمی است و امپریالیسم نمیتواند توانائی این عامل را ببیند و در محاسبات خود وارد کند. در جنگ رهائی بخش الجزایر، در جنگ رهائی بخش یمین جنوبی، در جنگهای رهائی بخش آنگولا و موزامبیک، در جنگ صحرا، در جنگ رودزیا (زیمبابوه) در هیچ جنگی عامل توانائی خلق پناخته در محاسبات امپریالیسم اسارتگر وارد نشد و نمیتوانست وارد شود. در جنگ بویتنام بارها و بارها فرماندهی نظامی آمریکا و سازمان «سیا» گزارشهای «اطمینان بخش» به پتنگون و کاخ سفید فرستادند، که، اگر مثلاً ۳۰ هزار نفر دیگر نیروی کمکی به میدان جنگ اعزام شود، ظرف ۴ ماه دیگر، ۶ ماه دیگر، پیروزی بر «ویند»

روزگار محمود



کیهان، شنبه ۱ آذر ۱۳۵۹

کنگه حتی است. از نظرس تناسب نیروهای صرفاً نظامی محاسبه غلط نبود. اما قدرت مقاومت خلق یکپارچه پناخته در نظر گرفته نشد و نمیتوانست بشود. «همزغ» امپریالیسم از محاسبه عامل توانائی خلق عاجز است.

بهین دلیل دست تجاوزگر مسلح آمریکا، که از آستین صدام بیرون آمد، به هدف سیاسی خود، که براندازی جمهوری اسلامی ایران بوده، نرسید. صدام (بخوان آمریکا) شکست خورد و پیروز شدیم. انقلاب و جمهوری اسلامی ایران توانائی و مستحکمتر از پیش از تهاجم نظامی صدام شد. باقی مانده است شکست نظامی صدام و پیروزی نظامی جمهوری اسلامی ایران. این پیروزی نیز قطعا بدست خواهد آمد، بهمان دلیل که در جبهه جنگ، در یکطرف، طرف صدام، خلق حضور ندارد و در طرف دیگر، طرف ایران، خلق، مصمم و استوار حضور دارد.

این حضور فعال خلق در جنگ (چه در جبهه و چه در پشت جبهه) باعث توانائی روز افزون نیروهای مسلح رزمنده در برابر مهاجم است. این حضور فعال، به تنهایی که یکپارچه تر باشد، نیرومندتر و نیروبخش تر است، و بهمان نسبت پیروزی نظامی بردشمن متجاوز سربست و کوبنده تر خواهد بود. پس باید یکپارچگی خلق و حضور فعال او را در جبهه و پشت جبهه، همچون مردمک چشم حفظ کرد و صفوف خلق انقلابی را قشره تر و قشره تر ساخت. از این روست که هر عملی که در میان مردم تفرقه بینگند، قطع نظر از اینکه عدا و یا سهوا اجرا گردد، کمکی است به دشمن، عملی است ضدانقلابی.

تجربه ۲۲ ماهی که از پیروزی انقلاب میگذرد، بوضوح نشان میدهد که، هر عمل ضدانقلابی، چه دانسته و چه ندانسته انجام گیرد، با واکنش توده های میلیونی برای حفظ انقلاب و دستاوردهای آن روبرو میشود. خلق همین توده های میلیونی هستند که جانانه و صادقانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع

میکند. این نیروی عظیم انقلابی مردم همواره توانمند و توانگرتر میشود. و این ضامن پیروزی است. ما - بنابراین - در جنگ با ارتش مزدور صدام چنانکه در پیروز خواهیم شد، پیروزی نظامی نیز هاند پیروزی سیاسی نصیب ما خواهد شد. این ششمین توطئه آمریکا مانند توطئه های پنجگانه قبلاش عقیم خواهد شد. صدام بدون یافتن «دبه»، با دو گوش بریده مجبور به ترک ایران خواهد شد. انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از این کوره آزمایش نیز ابیدیدتر و سربلندتر بدر خواهد آمد.

ولی شکست نظامی صدام، امری بدست از ایران نخواهد دست. امپریالیسم جبارلکسر و تجاوزگر آمریکا در وجود ایران چیز کم اهمیتی را کم نکرده است که بتواند از آن پایش سادگی صرف نظر کند. ایران برای امپریالیسم آمریکا، یعنی میدان غارت ثروت افسانه ای عظیمی که قالی ندارد. ایران برای امپریالیسم آمریکا، یعنی یک پایکده فوق العاده مهم و بدل سیاسی - نظامی برای برقراری کنترل جهانی خود در منطقه وسیعی که، از غرب آسیا تا شرق آفریقا، یعنی تمام منطقه نفت خیزی که حیات امپریالیسم بدان بستگی دارد، گسترده شده است. ایران برای امپریالیسم آمریکا، یعنی پایکده نظامی عظیمی در نشوری که با اتحاد شوروی ۲۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. ایران برای آمریکا - خلاصه - از لحاظ اقتصادی - نظامی سیاسی کنوزی است یا اهمیتی بی همتا، و بنابر این آمریکا از هیچ غوطه و چنایتی برای بازس گرفتن ایران فروگذار نخواهد کرد.

پس، از آنچه گفته شد، این نتیجه بدست می آید: شکست نظامی صدام هاند شکست سیاسی او قطعا بدست خواهد آمد. ولی نبرد با آمریکا ادامه خواهد داشت و برای مدت دراز ادامه خواهد داشت. ما برای این نبرد دراز مدت باید همه جانبه آماده شویم، تا بتوانیم پیروزی قطعی و نهائی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را قایلین و قاصین کنیم.

اسلام امریکائی...

بقیه از صفحه ۱

روی صحنه می آید، که انور سادات یا پیگیری رفیقانه، تانی ضد - فلسطینی دکمیدویینه را در پشت صحنه ادامه میدهد. سکنات بجای آنکه به خونت دورینه و حقه خلق های عرب و مسلمان، منیر تحکیم اتحاد و مبارزه ضد - امپریالیستی - ضد صهیونیستی و تقویت جبهه همبستگی با مردم فلسطین پاسخ گوید، با بزرگترین دشمن این خلق ها، یعنی امپریالیسم جبهه خوار آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی به توطئه مرنشینند. او از یکسو نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین را از سر اخراج میکند و از سوی دیگر زمامداران ارتجاعی و صهیونیستی اسرائیل را با آغوش باز در کشورش می پذیرد.

گردهمایی «جامعه خلق های عرب و مسلمان» همچنین تلاش مذبحخانه دیگریست برای مقابله اسلام آمریکائی با اسلام انقلابی امام خمینی. اما همانگونه که مریت صدام حسین توانست خلق ها و دولتهای شرقی عرب را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تجهیز کند و مسلمانان غایب ضیاع الحق نیز پس از چندی چهره آمریکائی خود را نشان داد، خیمه شب بازی «جامعه خلق های عرب و مسلمان» انور سادات نیز نه خلق های عرب را خواهد فریفت و نه مسلمانان راستین را.

پس از جنگ تحمیلی داردمسته صدام حسین، بیان دیدیم که کشورهای «جبهه پایداری عرب، از جمله الجزایر، سوریه و لیبی، بیدرنگ در کنار ایران انقلابی و جمهوری اسلامی ایران و علیه صدام «مسلمان» و «عرب» موضع قطمانه گرفتند. و حالا نیز همین کشورهای عرب و مسلمان، از جمله کشورهای عربی بودند که سادات «اسلام» بنام آنها را در سخنرانی کنایاتی خود در اجلاس «جامعه خلق های عرب و مسلمان» هدف شدیدترین حملات خود قرار داده است.

نمایش قهرمبار دیگر در ماندگی و انزوی بیروان اسلام آمریکائی را در جبهه مبارزه ضد امپریالیستی راستین خلق های عرب و مسلمان منطقه یشوت رسانید.

درمناحل مختلف و مطومات و رساله‌ها محال و واحسی مطرح است. در محال خصوصی دولت و خانواده‌ها هم این تحت حرمیان دارد. موضوع بحث است که: برای یک مسئول دولتی یک کارسند دولتی، یک آموزگار و استاد، یک فرمانده و پاسربار و غیره، تخصص لازم تر است و یا ایمان؟ هنگام گزینش یک کادر باید روی تخصص او تکیه کرد و یا روی ایمان انقلابی؟

اعلم بحت‌ها به بن بست کشیده می‌شود. زیرا متخصص بی ایمان بحدی می‌خورد و نه می‌داند که تخصص نداشتن او از میده، انجام وظایف خود برمی‌آید. آنان که دانش تخصصی را شرط مده‌تر می‌دانند، خود به خود در راهی می‌افتند که احتمال انحراف از هدف در آن فراوان و حتی قطعی است و کسی که دانشش ایمان را شرط مده‌تر محسوب می‌دارند، در سستی قرار می‌گیرند که به مصورت دانسته، بلکه ندانسته، روند تکامل جامعه را کند می‌سازند و این می‌تواند در مدت زمان دراز و یا کوتاه کار را به شکست برساند.

می‌توان به روشی بی‌شود که این بحث خود به خود در جامعه ما مطرح شده است. در ایران انقلاب بزرگی به وقوع پیوسته است. یک نظام واسنه، صدحلفی سرنگون گردیده و اکنون باید جامعه نو و نظام جدید انقلابی در کشور ایجاد گردد. و این کار به بسیاری از وسایل و اسباب از جمله به کادر نیازمند است. و اما این کادر جدید که باید صفار نمای ایران انقلابی سوس باشد، مختصاتی چیست؟ در احصاست که دو تنوع، برخورد مذکور در فوق به میان می‌آید. مثال‌های مشخص فراوانی مطرح می‌شود. مثلا آیا این درست خواهد بود اگر یک مهندس دارای طرز تفکر ضد انقلابی را فقط به خاطر تخصص بودنش بر راس یک پست مهم بکاریم؟ یا بر عکس این، آیا درست خواهد بود اگر یک نفر این انقلابی را، که چیز چندانی از مهندسی نمی‌داند، فقط به خاطر ایمانش به انقلاب، در پست یک مهندس قرار بدهیم؟

اگر این وضعیت را در نظر بگیریم که کشور، کادر تخصصی بسیار کم دارد، مثال اول صورت حق به جانب به خود می‌گیرد و اگر این وضعیت دیگر را به محاد بیاوریم که اکثریت قریب به اتفاق کادرهای متخصص کشور، از میان نظام مغرور آریا برمی‌خورند و بیرون آمده اند و صورت آن نظام مغرور، مثال دوم نشان نرول خود را پیدا می‌کند. ولی رفتی توسعه‌کنیم که ما هم تخریب نظام فاسد سابق و هم ساختمان نظام جدید انقلابی را به عهده داریم، آنگاه در برابر وظیفه، بسیار مهمی قرار می‌گیریم، که آسپم روشی کردن سیاست کشور خود در باره گزینش کادرهاست.

آنان که دانش تخصصی را شرط مده‌محسوب می‌دارند و ایمان را در درجه دوم اهمیت قرار می‌دهند، می‌توانند روزی از روزها برمی‌آیند همین "منطق"، یعنی تاگماش "کارشناسان" کشورهای امپریالیستی سرمایه‌داری و مصلحت‌انداز "استقلال آزادی"، جمهوری اسلامی" را کنار بگذارند. آنان که به تخصص اهمیت کمتر از ایمان می‌دهند، می‌توانند تا کند کردن حرمیان رشد اقتصادی، علمی، فرهنگی و اجتماعی کشور، کارشیت، تحکیم و گسترش انقلاب و پاساری و نواری کشور را با مشکلات فراوانی روبرو سازند. لذا در شرایط امروز که برده‌تاریخی که برک؟" نداشتن هر چه تمام‌تر در حرمیان، طرفداری از نظریه مطلقیت تخصص، ستانه طرفداری از سطح تفراتی انقلاب ظاهر می‌کند، و کوشش در جهت گاش اهمیت تخصص، ستانه کوشش در جهت رکود کشور را به می‌شود. مده‌ای هم هستند که این موضوع را به منظور یافتن راه حل درست، بلکه برای تحمیل مشکلات گان سیاسی و تغاله‌های فاسد رژیم سابق به عنوان "کارشناس" و "تخصص" و غیره مطرح می‌نارند. تکلیف این افراد از هر لحاظ معلوم است.

در این میدان گویبار نظریه‌های متناهی و گاهی متضاد، باید توانست نظریه واقعی را، که با منافع کشور انقلابی، مطابقت دارد، به درستی پیدا کرد. اصل درست علمی و انقلابی در گزینش کادرها بر دو پایه هموزن و هم اهمیت برقرار است و این دو پایه عبارتست از: ۱- تخصصی سیاسی-ایدئولوژیک انقلابی و ۲- تخصصی و کارگاری و کارائی. در اصول اسلام انقلابی نیز از عالم بودن و منقی بودن سخن رفته است، که می‌توان آن را به معنای تخصص و ایمان انقلابی تفسیر و تفسیر کرد. در کشورهای که از انقلاب و رهائی آسپادت ربادی گذشته، انقلاب پیروزی قطعی کس کرده و نظام جدید انقلابی استقرار و ثبات کامل یافته و جامعه به قدر کافی کادرهای انقلابی خود را به وجود آورده و در مسیر رشد و پور و غادی قرار گرفته است، در گزینش کادرها به هر دو متخصمه مذکور، یعنی هم به تخصص و هم به ایمان انقلابی اهمیت یکسان می‌دهند و همه کادرها واجد این دو خصمه هستند. یعنی هر کادر مسئولی را که برای کاری انتخاب می‌کنند، هم متخصص در آن کار است و هم به اصول انقلاب ایمان دارد. امکان اجرای یک جنس اصل در- و علمی از آنجا پدیدار گشته است که در آن کشورها مدهت‌هاست که آموزش و سبه کادر در معزای انقلابی قرار گرفته و بیشتر از همه - خود محیط اجتماعی - اقتصادی داخلی آن کشورها طوری دگرگون و از بنیاد عوض شده که همه افراد خلق، بیش از هر مدرسه و دانشگاهی در داخل خود جامعه تربیت انقلابی، بیش انقلابی و ایمان انقلابی کس می‌کند.

تخصص یا ایمان انقلابی

جمهوری اسلامی ایران هستند. اگر چه شعارهایی که مرکب از سه جز "و نه خواست استبداد و فاساد" اساسی جمهوری اسلامی ایران سرخسور بافته‌است. جزء و با اجزای دیگری هم علاوه کنیم و آنها را سه "هلات مؤمن بودن به انقلاب از کادرها مظم، خدمت خود بسیاری از دوستان انقلاب را از اندام‌ها کانات فراوان انقلاب راهبرده‌ایم. پس باید از کادرهای مؤمن انقلابی، بدون پیشداوری و تمس و غیره با دست و دل باز و از روی مهربانی و دلجوئی استفاده کامل کرد و بدین ترتیب جلو "فرارها" را سد نمود.

۲- نوع دیگر متخصص کشور، کسانی هستند که از موایل فعال رژیم مغرور سلطوی و هکار ساواک و کارگزاران مراکز امپریالیستی بوده‌اند. این گروه از متخصصان، جزو دشمنان فعال خلق و انقلاب هستند و نه تنها نباید کاری به آنها و اکر اکر کرد، بلکه باید آنها را به دست مجازات برد.

۳- گروه دیگر از متخصصان داریم که، آنها را "هتادان" اصول کشور داری طاموت می‌نامیم. اسپاگرتاران محوم مورمولهای دوران و استکی و طرز تفکر رژیم آریا بری هستند. به اصطلاح - محروف، با آن مورمولها طبق آن طرز تفکر و شیوه کار غالب گرفته‌اند و سرشان شمر گشته‌است. اعمال و مواضع خلاف انقلابی آنها نه از قصد و درک و آگاهی، بلکه از آن حرف گرفته‌تر می‌کند و لذا آنها را نه ضد انقلابی، بلکه "فر سبه در صحنه" ۶

طلعی نبود؟

تجربه انقلابی جهان به ما می‌آموزد که، نه تخصص فاقد ایمان انقلابی را می‌توان به طور درست و درست بر راس امور قرار داد - و تنها ایمان انقلابی فرد بدون تخصص می‌توان اکتفا و قناعت کرد. به نظر ما این مشکل را باید به طرق زیر حل کرد:

۱- در کشور ما بسیارند اشخاصی که هم تخصص دارند و هم ایمان انقلابی و باید در کمال اطمینان و احترام از این اشخاص استفاده کرد. صنایع و ایمان انقلابی را نیز به درستی بین سازیم و تخصصی دهیم. در مرحله کنونی تاریخ ایران، مؤمن انقلابی آن کسی است که صرف نظر از تفاوت در مسلک و اعتقاد و جهان بینی، به تارکسیر انقلاب یعنی: "استقلال، آزادی، جمهوری - اسلامی" ایمان داشته باشد. هر کسی که این شعار تاریخی را قبول داشته باشد و مادافانه از آن پیروی کند، مؤمن به انقلاب است. پیروان صدیق این شعار را باید انقلابی شمرد و از تخصص آن‌ها استفاده کرد. اینها کادرهای تخصصی و مؤمن

ولی آن کشورها تا رسیدن به وضع کنونی، از راجع بسیار حساس و دتوار مرنج و بر مسئولیتی گذشته‌اند و در همه آن مرحله‌ها در مسئله گزینش کادرها این سؤال با تمام جدت خود مطرح بوده که: از تخصص و ایمان انقلابی - کدام یک باید ملاک مده گزینش قرار گیرد؟ در آن کشورها همیشه با درستی این سؤال را پیدا کرده و به موقع اجرا گذاشته‌اند.

بر اساس تجربه خلق‌ها و حکم منطق باید گفت که:

در همه مراحل هر دوی این خصمه‌ها برای کادر مسئول ضرورت احتساب ناید و دارد. ولی هنگامی که در یک کشور تازه از بند رسته‌بخشی از کادرهای موروث رژیم ضد انقلابی سرنگون شده، از ایمان انقلابی بهره‌مند و حتی ضد انقلابی هستند، ولی اکثر افراد انقلابی و مؤمن به راه خلق، به علت آنکه در دوران رژیم سابق از امکان دست‌یابی به تخصص محروم بوده‌اند لذا تخصص کافی و حتی هیچگونه تخصص ندارند، چگونه می‌توان این مشکل را حل کرد و دو خصمه را با هم توأم و

تحکیم مناسبات دوستانه با کشورهای عضو جبهه پایداری، سیاستی است لازم و درست

بالیده است. از نخستین روزهای پیروزی انقلاب ۲۲ سپهر به خموت با آن برخواست. این هر یک دست پرورده امپریالیسم، که جیره‌خواری و جاسوسی برای "سیا" را از افتخارات غسبوسه می‌شمرد و با صراحت امتزاف میکند، که در برابر دستمزدهای آمریکا، به جاسوسی، مینبرد از "الیدف" - ۲۱ سپهر ۵۹ نخستین سیاستمدار یک کشور "اسلامی" بود، که پس از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، سکوت مدام حسین شافت وی در ماحضه‌ای در مده "فرا سبوسی باری ما" اظهار داشت:

"اگر چیزی باشکده من بتوانم انجام دهم، یک لحظه درنگ نخواهم کرد. اگر ضرورت داشته باشد من بفرمادی از عراق دخالت خواهم کرد." پشتیبانی شاه حسین از دارو ست مدام حسین، که بی درنگ و همه جا به آغا زگشته چنان خود رسوا گرانه بود، که حتی روزنامه آمریکا بی نیویورک تا به ۲۵ سپهر ۵۹) آنرا "شهرزاد" خواند.

گفته بهر آدمی، (مراسم نماز همه ۱۹ بان) روز پرخا و در اسرور اجرائی آمریکا ضلع عقبه از دن زادر اختیار عراق گذاشته و این خلق شیشه روز در خدمت عراق است.

بنا بر این، موضعگیریهای کشور-های گوناگون جهان در برابر جنگ عراق علیه ایران، باره گریز و سبب میان دوستان و دشمنان ما را در میان کشورهای "اسلامی" آشکار ساخت. از جمله "توکر فغان" مسلمان - نمایی، که اعلامشان در اسلام امریکائی خلاصه میشود بهره برد و مقام صد راستین حایمان ایرانی آنها را نیز بار دیگر فاش ساخت.

خاصین استقبال از گسترش روابط با کشورهای دوست سوریه، الجزایر و لیبی و تجدید مناسبات با رژیم وابسته و مرتجع شاه حسین امیدواریم که ایران انقلابی با شناخت هر چه بیشتر ضرورت همبستگی بین المللی و وسط روابط با همه کشورهای و نیروهای ضد امپریالیستی و مترقی، جای شایسته خویش را در حین انقلابی جهان بیابد و از امکانات گسترده‌ای که در این زمینه موجود است بهره‌مند گردد.

صها سگزاریم... از سوی دیگر، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی گفته است (در گردهمایی مطبوعاتی هفتگی روز دوشنبه ۱۲ سپهر ۵۹):

"ما با کشورهای مثل سوریه و الجزایر خیلی صمیمی هستیم. (ما) محرم از راهم دیگر هستیم. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی همچنین در جلسه مجلس در تاریخ ۱۸ آبان ۵۹ ضمن اشاره به سخنان گرم حافظ اسد در پشتیبانی از ایران، اظهار داشت:

"ما چنین انتظاری از افرادی که داشتیم، تاکنون لیبی سوریه و الجزایر که موقعیت انقلابی و اسلامی دارند، موضع خود را در رابطه با جنگ عراق با ایران معلوم کرده‌اند... ما نیازی به تشکر از برادران سوری، الجزایری، و لیبیایی نمی‌بینیم، زیرا آنها تشخیص داده‌اند، که دولتی را گسه در راه نابودی اسرائیل گام بر میدارند و در حقیقت راهی برای اهداف آن منطبق است تا شد کنند."

چنانکه سفیر الجزایر در ایران، در تشکر از رهبران انقلاب و مردم ایران در مورد روی با مردم الجزایر پس از زلزله اخیر آن کشور، گفته است:

"ما (الجزایر) از نخستین کسانی بودیم که از انقلاب اسلامی ایران با خوشحالی استقبال کردیم و در تمام مراحل در کنار آن بودیم. معمر قذافی، رهبر لیبی، در پیام اخیر خود به سران کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تأکید کرد:

"با پدیدرشدن فکونی از ایران پشتیبانی بعمل آورده و اروپا روی با ایران، که تنها بود آمریکا است، دوری جست.

حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه چندین پیش (طی مراسم جشن فارغ التحصیلی گروهی از چتریان از جنگی سوریه) گفت: "بمنوان یک وظیفه وجدانی و انسانی و اسلامی و عربی و انقلابی بار دیگر تأکید میکنم، که با پدیدرشدن انقلاب اسلامی ایران با ششسم و از آن حمایت کنیم."

از سوی دیگر رژیم شاه اردن، که با راه به دوستی خود با محمد رضا پهلوی

درجا رجوع گرایش‌های مشتت و امیدبخشی که از چندی پیش در سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران نمایان شده است و یکی از ویژگی‌های بارز آن تشخیص بهتر دوستان را پشتیبان انقلاب ایران در پیمنه" بین المللی است. اینک گسبه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی به بررسی از کشورهای دوست ها و رومیان به از جمله لیبی و الجزایر، نسبت تقریباً همزمان با گزینش خبر- سر- مرده، اعلام شد که ایران مناسبات دیپلماتیک خود را با اردن به سطح کارداری تنزل خواهد داد.

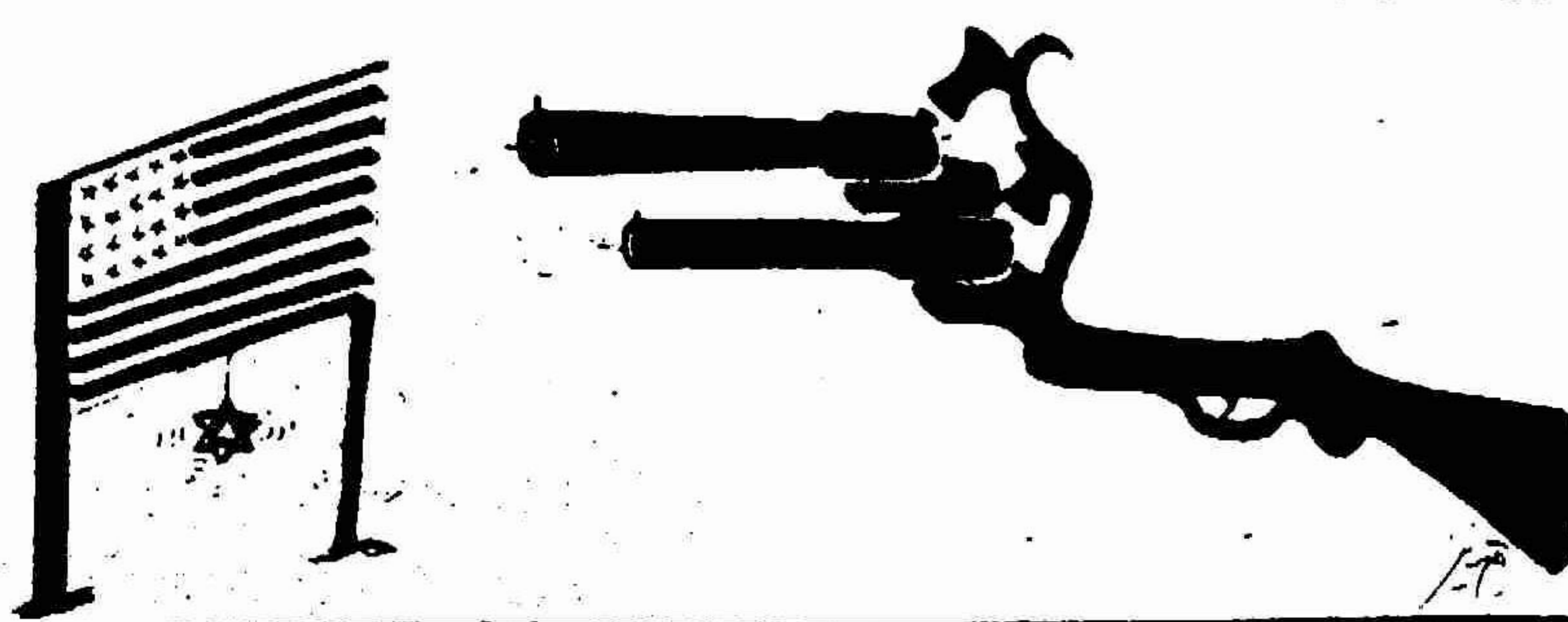
لیبرال‌ها هم، و کوشیده‌اند تا روند دوست‌یابی انقلاب ایران را در گستره جهانی بکار می‌بکشند. آنها نه تنها به همه نیرو، حکم ضد انقلابی - مافوقیستی "سازش دوا بر قدرت" را تبلیغ کرده و از اینخواه، بهرم خود تبلیغ و رزیده‌اند تا ایران را از صدیق ترین و توانا ترین دوستان بالقوه خود و متحدانش محروم سازند، بلکه در میان کشورهای "جهان سوم" نیز، میخواستند تا ز پرپریم "اسلام" آمریکا فی، "دوستان ما را از میان دوستان آمریکا و ارتعاجی ترین معافل منطقه برگزینند لیبرال‌ها از اینخواه ضربات زبانی بر آری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وارد آوردند. بعدها هم که تا کاسیو تا فرجایی این سیاست به همه کس مشهود شد، همین لیبرال‌ها بودند که فریادشان تظوری "انزوا بی‌ناملی" انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را پیش آوردند.

جنگ تجا و زکارانه رژیم مدام علیه ایران از یکسو نشان داد که "شاه الحق" ها، شاه حسین ها و ملک خالدها و... بهرم "مسلمان" نمایی شان، نوکران سرپرده امپریالیسم آمریکا هستند و فعلا لانه در توطئه‌های امپریالیستی براندازی انقلاب شکوهمند و جمهوری اسلامی مائرتکت می‌جویند. این جنگ از سوی دیگر ثابت کرد که، خلاف ادعای رباکارانه لیبرال-ها، ایران انقلابی در صحنه جهانی نیز بهج روی منزوی نیست. به دوستان خارجی ایران باید تبریک گفت که علیرغم همه کارشکنی‌های که ماهها در راه مناسبات دوستانه ما با آنها، به ویژه از سوی لیبرال‌های صدرا سور اعمال میشده است با بردباری و اصولیتی تحمیل آمیز بودن هیچ چشما دشمنی سنگر همبستگی خویش را با ایران انقلابی علیه دشمن مشترک، یعنی امپریالیسم و ارتعاج جهانی، حتی یک لحظه ترک نگفتند. از میان این دوستان خارجی، لیبی سوریه و الجزایر در هفته‌های گذشته بحق مقامی ویژه کس کرده‌اند.

گفته حجت الاسلام خا منهای (در یکی از خطبه‌های نمازید قربان اسال):

"ما از دولت برادر الجزایر و دولت لیبی و دولت سوریه بی‌اطرا اینکه موضعگیری درستی در مورد جنگ ایران با قدرتهای امپریالیستی نشان دادند،

لیبی و سوریه با هم متحد شدند:



در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شوکت کنیم!

کارگران فرش و پتوی مازندران :

کارخانه سنگر ماست

تعطیل شدن هر کارخانه خواست دشمن است

کنیم. ما خواستار بازگشایی هرچه زودتر کارخانه هستیم. ما معتقدیم که در این شرایط مشکلات را میتوان با گفتگو حل کرد. کارفرما به این خواست مشروع و قانونی ما کاری ندارد. ما از آقای فرماندار می‌پرسیم: ما که می‌خواهیم کارکنیم و نیروی سازنده خودمان را در جهت تولید به کار اندازیم، چرا از آن استفاده نمی‌کنید و می‌خواهید این نیرو هدر برود؟ "ما حتی برای شایسته‌ترین خودبه اداره کار رفتیم و قرار شد نماینده کارفرما بیاید و در حضور نماینده اداره کار با نماینده مابه گفتگو بنشینند. ولی او نیامد.

ما معتقدیم هدف کارفرما تعطیل کردن کارخانه و اخراج پنج نفر از کارگران مبارز است چون این کارگران از حق ما دفاع می‌کنند.

یکی از کارگران نیز گفت: "کارفرما به حمله‌هایی متوسل می‌شود که بسیار غیرانسانی است. از جمله کارفرما به وسیله ششمی که روزی دوسه ساعت جهت سرکشی به ماشینها به این کارخانه می‌آید، روستاها را اطراف را علیه ما تحریک می‌کند و با بسیج کردن آنها و آوردنشان جلو کارخانه، ما را به آنها ضد-انقلابی معرفی می‌کند. کارفرما برای درهم شکستن اتحاد ما دست به هر کاری می‌زند. او از اول فکر می‌کود که اگر هر کدام از کارگرها از یک منطقه و یک محل باشند، نمی‌توانند با هم جور شوند، ولی نمی‌دانست ما روزی ۸ ساعت با هم همسروشت و همزنجیریم.

یکی از زنان کارگر گفت: "ما فقط می‌خواهیم کارکنیم، ولی اینها دروازه بسته‌اند و یک هفته است ما هر روز صبح تا غروب در باران و آفتاب سرما و گرما جلوی این کارخانه جمع می‌شویم و هنوز نتیجه‌ای نگرفته‌ایم.

تعطیل شدن کارخانه‌ها و مراکز تولیدی در شرایط کنونی یکی از حربه‌هایی است که ضدانقلاب برای تضعیف انقلاب از آن استفاده می‌کند.

برخی از کارفرماها می‌کوشند با تعطیل کردن کارخانه‌ها و اغلال در امر تولید علاوه بر ایجاد ناراحتی بین کارگران جامعه را با کمبود مواد لازم و ضروری مواجه سازند. این قبیل کارفرماها بخاطر متنفر بودن کارگران از باطل مستقاران، آنها را با کلماتی چون "دهانی" تحقیر می‌کنند و هنوز دست نشانندگان امپریالیست‌ها را بر سر کارگران ایرانی ترجیح می‌دهند.

برخی از کارفرماها برای اخراج ویا توبیخ کارگران، هنوز هم با آنها مدت زمان طاقت‌فرسا چون "اغلال گری" "کم‌کاری" ویا "تحریک کارگران"، آنها را تحت فشار قرار می‌دهند و مانع از کار آنها می‌شوند.

باید اینرا پذیرفت که در شرایط کنونی تعطیل شدن هر مرکز تولیدی و هر کارخانه‌ای ضربه به انقلاب است و تنها خواست دشمنان میهنمان و در رأس آن امپریالیسم آمریکا را بر آورده خواهد ساخت. و این وظیفه مسئولین است تا با اعمال قاطع مانند معادله کارخانه‌ها و مراکز تولیدی، خصوصی، که در امر تولید اغلال می‌کنند و ناراحتی میان کارگران را دامن می‌زنند، از فعالیت ضدانقلاب جلوگیری کنند و در راه پیشبرد اهداف انقلاب بکوشند. باید قوانین قانونی را که باعث می‌شود تا کارفرماها با انواع اتهامات ناروا بتوانند کارگران را اخراج کنند، ملغی ساخت و با طرح قوانین انقلابی جدیدی از کارهای غیرقانونی و ضدکارگری کارفرماها جلوگیری کرد.

آیا در این شرایط که کشور ما نیاز فوری به فعال‌تر شدن مراکز تولیدی

در کارخانه فرش و پتوی مازندران (فرش شمال) ۸ دستگاه ماشین‌سازگی وجود دارد که تاکنون ۵ دستگاه آن را نصب کرده و سه کار انداخته‌اند و سه دستگاه دیگر سبزر حال منتظر و نصب است. چندین نفر مالکیت این کارخانه را در دست دارند و با یکدیگر شریکند.

مواد اولیه کارخانه از لوزیک تامین می‌شود و کارخانه در حال حاضر با کمبود مواد اولیه مواجه است. کارخانه در حدود هزار نفر کارگر دارد که ۱۱ نفر از آنها زن هستند.

اینک چندی است که کارخانه به وسیله صاحب کارخانه تعطیل شده و از ورود کارگران ممانعت عمل آمده است. در ارتباط با تعطیل شدن کارخانه نماینده کارفرما چندتن از کارگران را متهم به "اغلال" "کم‌کاری" در کارخانه کرد و چنین گفت:

چند تا از کارگرها از بیرون تا صبح می‌شوند و کارگرها را به کم‌کاری تحریک و تشویق می‌کنند. خرابی کار اینها خواستند انجمن اسلامی تشکیل بدهند. روز موعود دیدیم چندین نفر از قاشمشهر و ساری آمده‌اند و می‌خواهند وارد کارخانه شوند. چند نفر از آنها که کارت داشتند، آمدند، ولی حدود ده نفر که از ساری و از کاشون انجمن‌های اسلامی آمده بودند، کارت

به مقامات مسئول باید کارخانه‌ها و مراکز تولیدی را، که در امر تولید اغلال می‌کنند و بر ناراحتی‌ها دامن می‌زنند، معادله کنند و به رفع انقلاب بکار گیرند

نداشتند، راه‌تان ندادیم- آنها هم نگه‌مان را کتک زدند. حاجی (صاحب کارخانه) مرد موه منی است حاجی گفت: "انجمن باید زیر نظر روحانیت تشکیل شود. من خودم حقوق یک روحانی را هم می‌دهم تا هفته‌ای پنج روز برای شما آموزش اسلامی بدهد. ولی کارگران زیر بار نرفتند. حاجی در همین جریان مدتی پنجاه هزار تومان به جنگ زده‌ها کمک کرده است. یکی از کارگران دیگران را تحریک کرده و می‌گوید این کارفرما دزد است شما کمک کنید من خودم فرشها را می‌فروشم، نصف آنرا به شما می‌دهم و نصف دیگرش را به کارفرما. ولی آنها به حرفهای او توجهی نکردند. فرماندار گفته از دست من کاری ساخته نیست و کار را به وزارت کشور اعاله کرد. اینها یک مشت کارگر دهانی هستند و غفلشان را داده‌اند دست چند نفری که از بیرون تا صبح می‌شوند. اینها حتی کارشناسان بلژیکی را، که برای نصب و مونتاژ دستگاهها آمده بودند، با تف بیرون کردند."

کارگران نیز در این مورد حرفهایی داشتند. آنها گفتند:

"آنها ما را می‌گویند که حاجی می‌زند کاملاً بی‌اساس است ما تحریک نشده‌ایم و کم‌کاری هم نکرده‌ایم. ما می‌خواهیم انجمن اسلامی تشکیل بدهیم، تا هم سطح تولید را بالا ببریم و هم به دردهای خودمان برسیم و هم آموزش ببینیم. برای تشکیل انجمن از نهادهای انقلابی دعوت کردیم تا ناظر انتخابات باشند. ما جلسه را طوری ترتیب دادیم تا کارگران دو شیفت بتوانند در آن شرکت کنند. در نتیجه جلسه سه ساعت طول کشید و مانع از کار کارگران شد. در جلسه انتخابات نماینده کارفرما به حالت اعتراض جلسه را ترک کرد، ولی ما انتخابات را انجام دادیم. فردای آروز، هنگامیکه به کارخانه آمدیم، با در بسته‌ان مواجه شدیم. حاجی در را بسته بود و اعلامیه‌ای نصب کرده و گفته بود: چون امنیت جانی برای کارگران وجود ندارد، از ادامه کار فعلاً جلوگیری می‌شود. با بسته شدن کارخانه حرف ما اینست: کارخانه سنگر ماست و در این موقعیت جنگی ما می‌خواهیم در سنگر بمانیم و تولید

کارگران کارگاههای سازنده مصنوعات فلزی تبریز: ما می‌خواهیم همه جا دست دولت را ببینیم



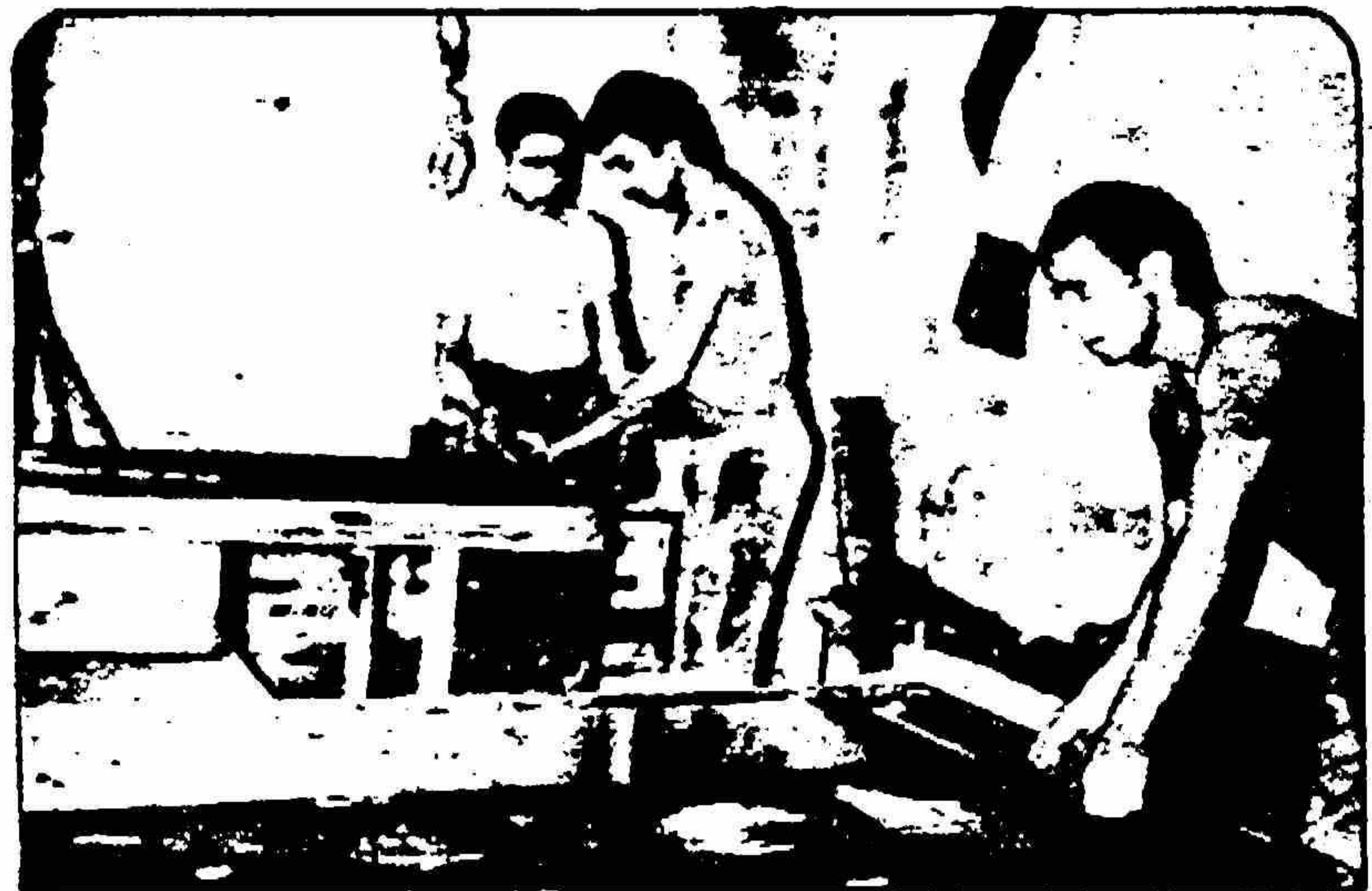
جواد همتی - کارگر - کارگاه همتی: تداوم انقلاب تا پیروزی

زحمتکشان ایرانی که بحق، پیروزی انقلاب را سرآغاز تحقق خواسته‌های تاریخی خویش میدانند، با جان و دل خواهان پیشرفت و تعمیق انقلاب هستند و در این راه، بیش از هر طبقه و قشر اجتماعی، سنگینی بار مصائب و سختیها را تحمل کرده‌اند و اکنون سبزه توطئه‌های امپریالیست‌ها لحظات حساس و خطرناکی را برای حیات و سلامت انقلاب بوجود آورده، بیش از سایر نیروهای اجتماعی به خشم آمده و جانانه تر از آنها به مقابله بر می‌خیزند. کارگران کارگاههای سازنده مصنوعات فلزی تبریز نیز در کار و زندگی روزانه، خویش با مشکلات زیادی روبرو میشوند. این مشکلات از توان آنها برای تحکیم بنیه اقتصادی کشور، تا آنجا که بدانها مربوط است و همچنین از سلامت معنوی انقلاب میکاهد. کارگران رفیع این مشکلات را با هشیاری و آگاهی فراوان در رابطه با حفظ دستاوردهای انقلاب خواستار میشوند. یکی از کارگران این کارگاهها می‌گفت:

"هدف ما از ذکر ناراحتی‌ها و مشکلات ابتدا "کلابه از انقلاب نیست، بلکه ما خواهان حل مشکلات به نفع انقلاب و پیروزی انقلاب بردشمان است از جمله سرمایه‌داران بزرگ و واسطه‌ها و تداوم بی‌وقفه جریان انقلاب هستیم.

و بی‌شک حل مشکلات و بسر آوردن خواسته‌های این کارگران حاصل می‌گردد.

مواد اولیه و دیگری واسطه‌های ضروری هستند. اگر دولت بر کار آنها، حداقل واردکنندگان مواد اولیه نظارت نکند، آنها ما را به خاک سیاه می‌نشانند. واردکنندگان چه هرکاری دست می‌زنند: تقلب، احتکار، رگرانی، جواد همتی ادامه میدهد: "ما می‌خواهیم در درجه اول خود دولت واردکننده باشد، فعلاً دولت با پستی نظارت شدیدتر کار واردکنندگان،



کارگران کارگاه «معمزاده»:

واردکنندگان مواد اولیه، واسطه‌ها و سرمایه‌داران ما را بخاک سیاه نشانده‌اند!

داشته باشد. از اتحادیه می‌پرسیم، می‌گوید: "کم بغاعت‌های صنفا می‌بندی ندارند. به نظر من برای بهبود کارها دولت خود باید مشوق اصناف برای تشکیل اتحادیه باشد." جواد در پایان می‌گوید: "خلقه اینکه هرکسی هرکسی و قانون جنگل حاکم نباشد که منظور فعال مایشایی سرمایه‌داران و واسطه‌ها است: دولت باید همه جا باشد. ما می‌خواهیم همه جا دست دولت را ببینیم. اهمیت و درستی این سخن را شرایط جنگ تحمیلی مدام ثابت کرده است.

برای حفظ و تثبیت دستاوردهای انقلاب و تعمیق و تضمین تداوم آن به خواست‌های برجسته این زحمتکشان جامعه عمل ببوشانیم. و در نبرد علیه توطئه امپریالیست‌ها و تجاوز نظامی دشمن هم‌جهت و هم‌پشت جبهه را بسیج می‌کنیم.

شادابی و تحکیم پایه‌های انقلاب نخواهد داشت. کارگران چه میخواهند و چه می‌گویند؟

"شقریان"، مسئول کارگاه محمدزاده، واقع در خیابان گمربندی از گرانی مواد اولیه از جمله: ورق و سیم برنج می‌گوید و این گرانی را ناشی از احتکار و اجحافات واسطه‌ها و واردکنندگان این مواد میدانند.

"ابراهیم"، مسئول کارگاه "همتی"، واقع در محله "زنگوله باغ" در باره "کمبود و گرانی مواد اولیه چنین می‌گوید:

"انبارها موجود هستند ولی واسطه‌ها و سرمایه‌داران محترمه منظور گرانی اجناس خود، آنها را احتکار میکنند." "جواد همتی" از کارگران همین کارگاه می‌گوید:

"طرفهای ما، یکی واردکنندگان دارد، بسته شدن در یک کارخانه به نفع ضدانقلاب نیست؟

کارگران قهرمان و انقلابی‌مپن ما خوشحالتانه نقش عظیم خود را به درستی درک می‌کنند و به همین علت با وجود ناراحتی‌های موجود در محیط کار خواهان حضور پیکر خود در کارخانه این سنگر مبارزه و جهاد علیه امپریالیسم امپیکا و تجاوزگران مدامی هستند. مسئولین امر باید هرچه زودتر در کارخانه فرش شمال را به روی کارگران بازکنند تا جلوی سوءاستفاده ضدانقلاب گرفته شود.

طبقه کارگرایان در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است

گذری به کاروانسراهای دروازه اصفهان شیراز

مهمترین مشکلات روستائیان در ده، کمبود زمین، نبودن برق و بهداشت و کمبود مواد غذایی است.
 دهقانان خواستار خرید محصولاتشان توسط دولت یا نرخ عادلانه هستند و همگی از اصلاحات ارضی حمایت می کنند و آماده دفاع از مین انقلابی در برابر تجاوز آمریکائی صدام هستند

روستائیان مشکلات زیادی را مطرح کردند و راه حل های هم پیشنهاد کرده اند: خرید محصول توسط دولت، ایجاد اصلاحات ارضی، دولتی کردن کباب سرمایه داران بزرگ، تغییر سیستم انارات، بهترین تقاضای دهقانان و راهنایی برای مسئولین است.

و اما مشکلات روستائیان در شیر - معمد روستایی فارس نظر میدهد که: مسافرخانه ها (کاروانسراها) در درجه اول بهداشت و نظافت ندارند هر یک نفر شبانه روز ۶ تومان کرایه می دهد و در گرمای تابستان ماندن در این اطفا سخت است.

وی در ادامه سخن خود می گوید: ممن کارگرم و از اصلاحات استاد رضا اصفهانی و فرمایشات امام پشتیبانی میکنم، من روزانه ۵۰ تومان مزد می گیرم، ولی نمی از یکماه را یکبار می مانم.

دولوندار (دالان دار) کاروانسرا شروع به صحبت میکند: از روستای داریون به شهر آمدم، چون در ده زمین و زراعت نداشتم، برای فلکی به شهر آمدم. ماهی ۱۵۰۰ تومان میگیرم و خانواده ام در ده است.

علی، سرایدار کاروانسرای قفلاسرنا پوستخوشه است و میگوید: از کودک از ده به شهر آمدم و نزد صاحب گاراژ بودم. یکسال است که به من حقوق را نداده و در صد اخراج من از کار است.

چوپا بر از کتافت و لجن است و بوی آن زنده. کویچه پس کویچه مرکز متادها شده است. خیابانها را دکه ها و دستفروشان سد کرده اند. در بین آنها همه زیادی افغانی است و اکثر دزد و قاچقی هستند. همه زیادی از اهالی روستاها، که یملت سیاست خانه خراب کن سابق به شهرها آمده اند. در سخت ترین شرایط بسر می برند. به نظر منکی، واگذاری زمین به دهقانان و اصلاحات بنیادی در روستاها باعث جذب این بیسکاران و آوارگان به روستا می شود.

اجرای سریع قانون واگذاری زمین و کوفه کردن دست واسطه ها، خرید محصول و تامین وسایل ددو و کشت مهمترین خواست دهقانان و مهمترین وسیله برای اجرای فرمان امام خمینی دایر به جهاد کشاورزی و تولید هرچه بیشتر محصولات غذایی است.

دهقانان حامی انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی ایران هستند. آنها که استخوان بندی اصلی ارتش بیست میلیونی را تشکیل میدهند، آمادگی خود را برای شرکت در قیام علیه داریوسته صدام و توطئه امریکا اعلام کرده اند. دهقانان زحمتکش صلا، چه در جبهه و چه در پشت جبهه، در سنگر و در کشتزار، فالانه و فداکارانه شرکت میکنند. وظیفه انقلابی مسئولان دولتی است که زمینه را برای این مشارکت، با اقدامات و تدابیر خود در حل مشله زمین و تامین وسایل کار و کشت، فراهم آورند. باید خواستهای حقه دهقانان زحمتکش را، که همان نیازهای جامعه ما است، برآورده ساخت، تا انقلاب ما مستحکم تر شود و دشمن بزانو درآید.

دهقانان قاسم آباد، علیرغم تمام مشکلات حاضرند برای مقابله با جنگ تعمیلی هرچه بیشتر کشت کنند.

شورای ده کمک رسانی به جبهه را سازمان می دهد

روستای قاسم آباد در ۲۴ کیلومتری جنوب شرقی مشهد، در جاده سرخس واقع است. جمعیت روستا در حدود ۲۴ خانوارها ۲۵۰ نفر است. اکثریت روستائیان را کشاورزان بی زمین و کم زمین تشکیل می دهند. کل زمینهای ده حدود ۱۲۰۰ هکتار است. زمینهای قابل کشت روستا ۲۲۴ هکتار آبی و ۵۰ هکتار دیمی است. در این روستا فقط ۱۸ دهقان، نفری حدود ۳ هکتار زمین دارند. بقیه دهقانان بابت زمینهای کشتی خود هم عثرو هم اجاره پرداخت می کنند. مالک بزرگ ده بوسیله ایادی خود در این روستا و روستاهای مجاور به ظلم و ستم علیه دهقانان زحمتکش مشغول است. عمال ارباب جواختناق شدیدی در روستاهای این منطقه بوجود آورده اند. از روستائیان حق حساب و باج می گیرند، زمینها را با زور تصرف می کنند و مانع برای احشام دیگران می شوند. روستائیان از آب برای کشاورزی آب آشامیدنی و حمام محرومند. بیس از جمله نا جوان مردانه رژیم جنایتکار صدام صحن به خاک مین بریزد، روستائیان زحمتکش قاسم آباد، آمادگی خود را برای دفاع از وطن و انقلاب بزرگ خود اعلام کرده اند. روستائیان می گویند:

"ما حاضریم هرچه در توان داریم کشت کنیم، تا مردم مین ما از لحاظ آذوقه در کمبود قرار نگیرند. ما از مصرف کندم زمستان خودکم کنیم، تا برادرانمان در جبهه تامین باشند." با کمک و همکاری این روستائیان حدود ۱۲۰۰ کیلوگندم و ۱۵۰۰۰ کیلوگندم جمع آوری گردیده. تا به وسیله شورای ده به "سازدکت رسانی به مناطق جنگ زده کشور" واقع در جبهه سازندگی مشهد رسانده شود. هم اکنون که عوامل امیرالیم آمریکا به کشور ما، منظور سرگونی جمهوری اسلامی ایران و نابودی انقلاب هجوم آورده اند و روستائیان و دهقانان زحمتکش با شورا و احشامات زایدالوصفی به دفاع از استقلال و مین خود پرداخته اند. جای آن دارد که مقامات مسئول هرچه زودتر به وضع این روستا رسیدگی کنند و دست عوامل توطئه را از سر این زحمتکشان کوتاه گردانند و فسادهای خون آشام و فساد انقلاب را در هم کوبند، تا این کوخ نشینان به راحتی بتوانند در تمام صحنه های نبرد (جبهه و پشت جبهه) علیه امیرالیم و عوامل داخلی و خارجی آن بسجزند. هیئت های هفت نفری پیام آور تحکیم انقلاب در پشت جبهه هستند. هم اکنون که ساردیکره ضرورت اجرای قانون اصلاحات ارضی تاکید شده است و امام خمینی نیز نظر هیئت فقها را تأیید کرده اند و توطئه خرابکارانه و ضد انقلابی مالکان با اخطا رشیدی و وزیر کشاورزی بر ملا شده، لازم است که سرما هیئت های هفت نفری کارواگذاری زمین را آغاز کنند و دهقانان را در تحکیم پشت جبهه یاری رسانند و بزرگ مالکی را از بین ببرند و زمینه را برای جهاد کشت و تولید بیشتر آماده سازند.

بزرگ مالکان روستای میدانک در اثر عدم اجرای قانون اصلاحات ارضی طلبکار هم شده اند!

روستای میدانک کوچک، از توابع فریسنوشر اصفهان، روستای کوهستانی است. آب و هوای منطقه بسیار سرد و مقدار بارندگی فراوان است. این روستا زمین موات و بایر بسیار زیادی دارد. خاک پر قوت و پر باریداری، ولی به خاطر عدم وجود جاه کافی در منطقه، زمینها کشت نمی شوند. حتی از نظر آب آشامیدنی، منطقه در تابستان، با کمبود مواجه میشود. یملت سرمای سوزان در زمستان و فقدان راه ارتباطی باشهر، هر ساله بیم آن میرود که کدو و گوسنهدا و حیوانات موجود در ده با خطر کمرسنگی و یخزدگی از بین بروند. در این روستا بیش از صد خانوار ساکن هستند. مردم منطقه اصلا گریز ندارند. کمبود آب، فقدان برق، آب لوله کشی، راه ارتباطی سالم با شهر، مدرسه راهنش، دبیرستان، خسالخانه، شرکت تعاونی، درمانگاه و بهداشتی کلبانه و... از اهم مشکلات روستائیان است. خانه های مسکونی آنقدر مست دیوار هستند که اهالی

در زمستان وحشت دارند که سقشان بر سرشان خراب شود. اکثریت مردم روستا به سوادند و در زمینهای مالک و شرکته نصفه کاره و حتی با سهم ۱/۲ کار می کنند. مالکین این روستا و روستای همجوارش (میدانک بزرگ) دست بدست هم داده و سعی میکنند، تا آنجا که ممکن است از تقسیم زمینها جلوگیری کنند و برای هیئت واگذاری زمین تسلیم کرده اند. همچنین این مالکین اجازه کشت به کشاورزان منطقه نمی دهند. کشاورزان نیاز زیادی به واگذاری غوری زمین و واگذاری دام، ماشین آلات کشاورزی، یخز و کود و غیره دارند. بزرگ مالکان، که پایگاه همه امیرالیم امریکادر روستاها هستند و بزرگترین آرزوی آنان شکست انقلاب است، در راه تحقق آرزوی خود به هر حیلای متوسل میشوند. آنها وقاحت و پروشی را به جای رسانده اند که

بمنظور جلوگیری از واگذاری زمینهای خصی، به هیئت واگذاری زمین شکایتنامه تسلیم می کنند. هیئت هفت نفری باید هرچه زودتر با اجرای قانون اصلاحات ارضی بسود دهقانان زحمتکش بر زمین و کم زمین پسخی درخور و شایسته انقلاب بزرگان به این گت خان شکر بدهد. باید سایه شوم این فارتکران از زندگی زحمتکشان محو گردد. دولتینز باید وسائل و امکانات کشاورزی را برای دهقانان محروم مینا سازد. این اقدامات از جمله گاه های اساسی در راه رسیدن به استقلال است. باید در شرایط کنونی که خلق مبارز ما در جبهه نبرد با رژیم تجاوزگر صدام حسین دستبه فداکاریهای عظیم میند، با اقدامات قطع و انقلابی خود پشت جبهه را تقویت کرد. یکی از اقدامات، اجرای سریع قانون واگذاری زمین است، که بدنبال آن یک پایگاه میند - انقلاب درونی نابود و جبهه انقلاب تقویت میگردد.

اخبار دهقانی

خواست اهالی روستای "ناوند" و "دولت آباد" که جلوگیری از خراکاری فئودال و گرفتن آب چشمه از دهقانان است، در نامه "مردم" قفلا انتشار یافته است. اعضای شورای ده نیز خواستار رفع ظلم شده اند و منتظر پاسخ مسئولان امور هستند، تا در جهاد کشاورزی و تولید هرچه بیشتر فعالیت کنند.

رادیو ساری اعلام کرد که هیئت واگذاری زمین در استان مازندران از کلیه کسانی که در مناطق بشهر و ناری و قاشمشهر و تنکابن زمین زراعی دارند، خواسته است که آنها به باغ تبدیل کنند و بیا در آن تاسیسات ایجاد نکنند. این اخطار بدنبال سوء استفاده زمینداران بزرگ منطقه صورت گرفته. باز هم بخیال آن که زمان طاغوت است، می خواهن راه فراری از قانون اصلاحات ارضی برای خود دست و پا کنند. غافل از آنکه آن سو بشکست و آن بیمانه ریخت اینک مردم انقلابی ما خواستار الفای نظام فئودالی و ستم و بهره کشی هستند و خوشبختانه افراد متمهد و مسئول در مقامات دولتی هتبارانه متوجه ظاهرسازیها و دوزوکلک های بزرگ مالکان هستند. خود دهقانان نیز باید بیدار باشند و کلیه موارد تخطی را به هیئت ۷ نفری گزارش دهند.

هیئت واگذاری زمین در استان مازندران، تا پایان ۲۵ آبان ماه ۵۹ به کشاورزان و ارگانهای صاحب زمین فرصت داده بود، تا زمینهای سایر و موات را به زیر کشت ببرند در غیر اینصورت جهاد سازندگی را اقدام به این کار خواهد کرد. حالا که فرصت تمام شده، در پرتو فرمان امام خمینی در مورد جهاد کشاورزی و ضرورت کشت هرچه بیشتر و تولید هر چه فراوانتر، درستی این تصمیم کاملاً نمایان می شود. در این اراضی میتوان بصورت مشاع و بشکل تعاونی، امور کشت و داشت و سرداشت را سازمان داد و زیر نظر جهاد سازندگی، تولید را به خود دهقانان زحمتکش سپرد.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند.

زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی، راه برای تشکیل جبهه متحد خلق هموار خواهد کرد

جلسه توبیتی «پرسش و پاسخ» در تاریخ ۸ آبان ماه ۱۳۵۹ تشکیل شد. رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزبیتوده ایران به پرسشهای طرح شده در این جلسه پاسخ گفت.
بخش اول این پرسش و پاسخ، در شماره دیروز بجای رسید. بخش دوم در این شماره و بقیه در شماره های آینده درج می گردد.

س: آیا حزب با آزاد کردن گروگان ها طبق شرایطی که امام خمینی تعیین کرده است، موافق است؟
ج: ما همیشه گفته ایم که به نظر ما مسئله گروگان ها اصلا مسئله عمده انقلاب ایران است و مسئله عمده، مسائلی است که در نهایت امر به انقلاب منتهی می شود. مسئله عمده، مسئله در مورد انقلاب ایران این است که می خواهد انقلاب ایران را ارسس سرد، حالا اگر در این راه، نقطه ۵۲ گروگان، بلکه صد هزار آمریکایی هم کشته شود، بار از این سنگ گبری و هدف گیری، دست بردار نخواهد بود. حرمان و مسام این حالت از ماهیت امپریالیسم رانسان داد. در دو سال به گروگان گیری و خوددانش و به هیچ بهانه دیگری امپریالیسم آمریکا با تمام عواید خودی حواس جمهوری دموکراتیک خلق ویتنام را در شمال ویتنام ارسس سرد، و برای این کار رژیم حاش دست شانده خود را در جنوب ویتنام تعویب کرد و یک ارتش یک میلیونی در آن جا بوجود آورد. علاوه بر این، یک نیروی ۶۰۰ هزار نفری هم از ارتش خودش برد آن جا و تمام سلاح های مدرن میرهستهای خود را در آن جا به کار انداخت. این ماحر اموالی نزدیک به ۸۰ تا ۱۰۰ هزار کشته و قریب ۹۵۰ هزار زخمی آمریکایی به بار آورد و در حدود دو بیست میلیارد دلار خرج برداشت و آخرش هم امپریالیسم آمریکا با تنگ و رسوایی مغب نشینی کرد و از خاک ویتنام مهربان سرور رفت و به نقطه توانست جمهوری دموکراتیک ویتنام را ارسس سرد، بلکه محور شد ویتنام جنوبی را هم دو دستی تقدیم انقلابیون ویتنام کند که جمهوری سوسیالیستی سراسر ویتنام را برقرار ساختند. بعدش هم لائوس و کامبوج از حیطه نفوذش سرور رفت، تمام سوکرهاش در آن جا یکی بعد از دیگری غرنال شدند. خوب، در ایران هم ممکن است ما با چنین حرسانی و سرور نوسم، نمی برای امپریالیسم آمریکا مسئله گروگان ها اصلا کوچک ترین اهمیتی ندارد. آمریکا از مسئله گروگان ها فقط برای انجام به نفعهایش استفاده سلطانی کرده است. خوب، برای ۵۲ گروگان ۶۰ تا ۷۰ تا و حتی می آورد در حلیج فارس ده چمکارش کند؟ برای هر گروگان بیست هزار تنگدار در سایی آورده اند. آیا این ها همه مان برای ۵۲ گروگان است؟! این سمره ای بیش نیست. امپریالیسم آمریکا مسئله گروگان ها استفاده کرده است تا سروسوهای عطشی را در منطقه حلیج فارس متمرکز سازد و هدف اصلی اش هم مهارت است از حفظ منافع خود در این منطقه حیاتی و مهم استراتژیک در مقابل خطری که انقلاب ایران با ایجاد جمهوری اسلامی ایران، با خط سیاسی عمیقاً ضد امپریالیستی و عمیقاً خلقی امام خمینی برای پایه های

استراتژیک و هدف های غارت گرانهای ایجاد کرده است. حالا اگر گروگان ها نبودند، خوب، یک سپانه دیگری پیدا می کرد. ما می بینیم که این ها تاکنون از جدم عامل استفاده کرده اند. یکی «خطر کمونیسم» و این که شوروی می خواهد به آب های گرم راه یابد. بعد مسئله افغانستان و این که شوروی از راه افغانستان می خواهد تمام مناطق نفت خیز حلیج فارس را بگیرد، بعد مسئله گروگان ها و حالا هم تجاوز عراق به ایران را راه انداخته اند. هیچ یک از این ها نام ارتباط ماهوی ندارند، بلکه فقط وسیله ای هستند برای آمریکا که تعداد کشتی های جنگی اش را در دریای عمان و حلیج فارس زیادتر کند، نیروهای خودش را به مصر و عربستان سعودی و اسرائیل بفرستد، آواکس بفرستد، خلاصه جبهه خطرناکی ایجاد کند، حتی با این اعلام که ما می رویم به طرف یک جنگ جهانی با استفاده از سلاح های هسته ای در خاور میانه. آری، یک چنین دستوری را به عنوان مسئله روز در مقابل ارتش آمریکا می گذارند. خوب، به این ترتیب ما می بینیم که مسئله گروگان ها یک مسئله به کلی مرعی است، و مسا همان طور که ما از همان آغاز گفته بودیم، این اعلام گروگان گیری نیست، بلکه جاسوس گیری است. این یک مرکز توطئه بود که مردم ایران منحل کرده اند، چون نمایندگی سیاسی، یک مطلب است و مرکز توطئه طلب دیگر، حال اگر یک نمایندگی سیاسی حداقل به جمع آوری خبرهای عمومی اکتفا کند، خوب، می توان گفت که این در عرف تمام نمایندگی های سیاسی دنیا است. ولی وقتی این «نمایندگی سیاسی» در کشوری که مردمش انقلاب کرده اند، علیه آن انقلاب روزنامه را اندازد، با افراد برای مقاصد جاسوسی رابطه برقرار کند، برای کودتا تدارک بیند، این دیگر نمایندگی سیاسی نیست، بلکه مرکز توطئه ضد انقلابی است. به همین جهت بود که از همان روز اول، بدون لحظه ای تاخیر، مسئله ضرورت خنثی کردن مرکز توطئه ضد انقلاب را در ایران مطرح کردیم و کاملاً هم به حق بود. حنثی انقلابی ایران هم با عمل بسیار سجا و بسیار شعاعانه و انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام برای نشان دادن چهره واقعی رژیم امپریالیسم آمریکا، و این که آمریکا برای ارسس بردن استقلال و حاکمیت کشورها به چه شیوه هایی دست می زند و چگونه عمل می کند، در این یک سال اخیر تمام اقدامات مکن و لازم را به کار برده است. شرایطی که امام برای حل مسئله گروگان ها از روز اول مطرح کرده و شرایطی است کاملاً عادلانه و مجلس شورای اسلامی هم بر روی آن راه صورت نهایی اش تصویب و اعلام خواهد کرد. امپریالیسم آمریکا باید اذلال یک بار محبور شود به تهنکاری هایی که همیشه علیه استقلال ما مرتکب شده است، در مقابل مردم دنیا اعتراف کند. این یک حواست به جا و کاملاً عادلانه است. دولت آمریکا باید بپذیرد که دیگر علیه حاکمیت ایران توطئه نکند. امپریالیسم آمریکا پس از انحلال مرکز توطئه جاسوسی اش، یک سلسله فشارهایی به انقلاب ایران وارد آورده، دارای ایران را ضبط کرده، محاصره اقتصادی کرده، کشورهای اروپای غربی و متحدین خودش را وادار به محاصره اقتصادی کرده، پول های ایران را ضبط کرده، سفارتشایی را که به آمریکا، فرانسه، آلمان غربی، انگلستان داده شده، کشتی ها و

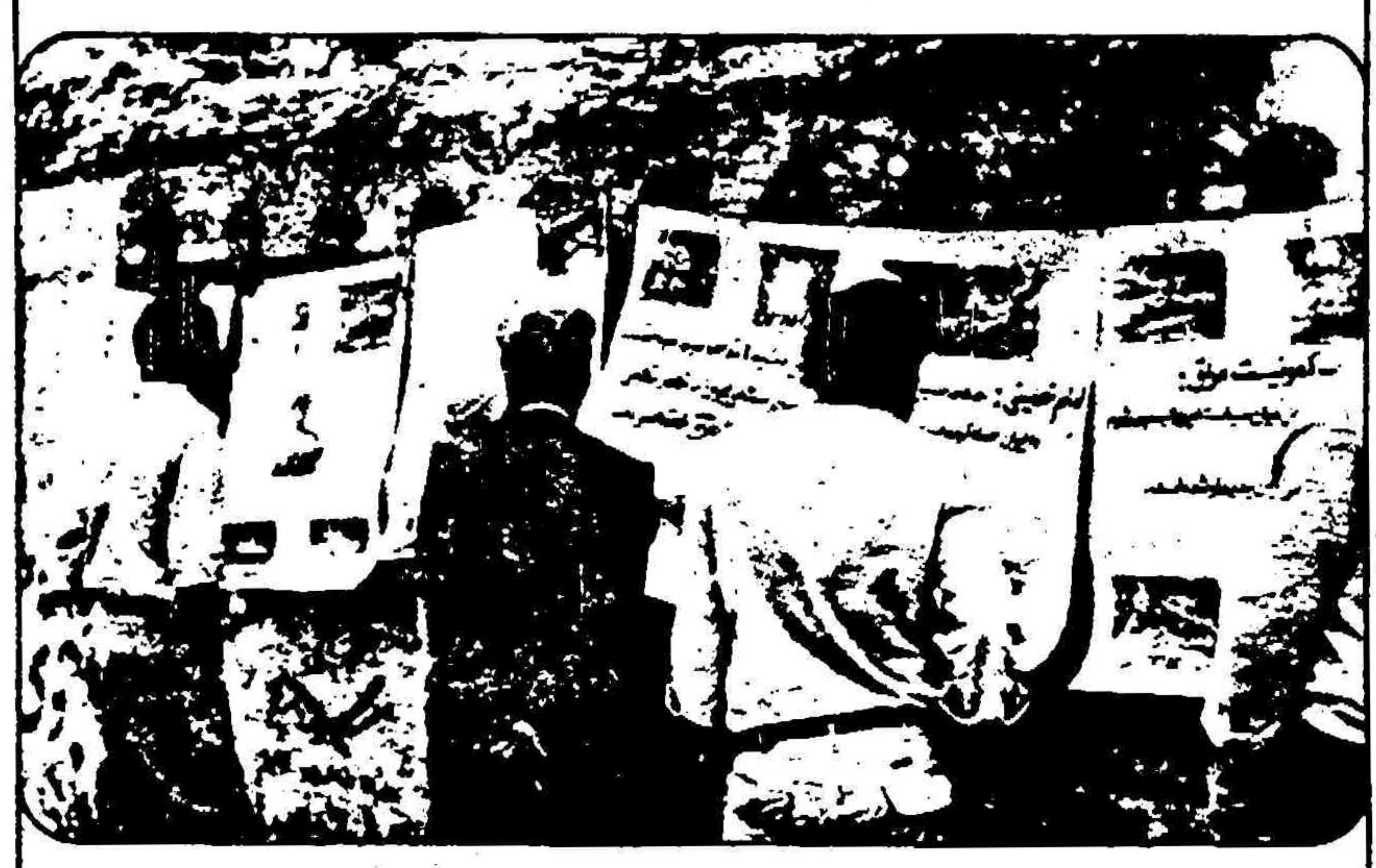
بسیاری لوازم دیگر را که پولش هم نعام برداخت شده، نمی گذارد به ایران تحویل دهد و حلیج رورگویی ها و حق کشتی های دیگر که همه از آن آگاهند. خوب همه این خسارات باید حبران شود. مطلب دیگر این است که ۲۸ مرداد را به اعتراف همه مقامات آمریکایی و باز جمله به اعتراف کم روزولت، نوه روزولت رئیس جمهور سابق آمریکا، بطور عمده امپریالیسم آمریکا راه انداخت و شاه را به اسباب گردانید. در این مسئله که دیگر هیچ تردیدی نیست، خود آمریکا اعتراف کرده که شاه ایران را به عنوان یک عامل آمریکایی به ایران برگردانند، بر اس قدرت شانند و تقویت کرد. خوب، این شاه ملعون ایران با حیل غریبی و طول خانوادهاش، ۴۰، ۵۰ میلیارد پول ایران را در دستبرد بردید. این تنگ را طلب حلیج روروشی است. همه کسی می داند که این خانواده که این پول ها را در زده، نماینده ناسود، نماینده آمریکا در ایران بود. اسباب که برای سودند ما این حواست را هم کاملاً صحیح می دانیم و معقد هستیم که آمریکا باید تضمین بدهد که دیگر این سیاست را دنبال نخواهد کرد. اسکه فقط بگوید که «فول می دهیم» که این سیاست را دنبال نخواهد کرد، خوب، این را همه می دانند که توحی است. برای این که خود آقای ماسکی دو هفتیست به روزنامه نگاران گفته است که سیاستمداران یک چیزی می گویند و بعد در عمل کار دیگری می کنند. به این ترتیب خودش اعتراف کرده است که شما حرف ها و تصدیقات سیاستمداران ما را حلیج حدی بگردید. واقعتاً همین این است. نامه کارتر به امام با تدارک طمس بعضی کودتا همزمان بود! یعنی آقای کارتر نامه ای به امام می نویسد، کاملاً طحرانه، به شیوه آن که معابد شده، ولی همزمان با آن، در عمل کشف ترین توطئه کودتایی را تدارک می بیند که مثل نقشه کودتای بیزه می ناستی با کشتی یک میلیون نفر در ایران انجام گیرد. حالا هم اگر آمریکا بگوید بله، بله، ما هیچ کاری نخواهیم کرد و قول می دهیم که به ایران هیچ حنم دانی نداشته باشیم، همزمان با آن، در عمل کودتای بیزه حدی را تدارک می بیند. به این ترتیب به حق است که دولت جمهوری اسلامی ایران، صفت های فخر اعتمادی از آمریکا برای عدم دخالت در ایران طلب کند. و این همان مسئله ایست که ما مکرر می کنیم الان در مجلس شورای اسلامی ایران مورد بحث است. و اما غیر مسئله پول و مسئله دارایی ها که چیزهای عادی است، چه صفت هایی می-دارد آمریکا خواست تا ما مطمئن شویم که دیگر سیاست های قدیم خودش را ادامه نخواهد داد؟ رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، تحت الا سلام رهنمایی، در این زمینه گفته است که من فکر می کنم با توجه به حیات ۳۷ ساله آمریکا در ایران، دل مردم ماسی نواید آرام بگیرد و حق هم هست که آرام نگردد البته مسئله گروگان ها نه وسطی به جنگ ایران و عراق دارد و نه مربوط به انتخابات در آمریکا است. در هر حال ما باید منتظر شویم که بیستم مجلس در هفته آینده چه تصمیمی خواهد گرفت. ولی اصولاً مسئله گروگان ها مسئله ای است خارج از مسائلی واقعی امپریالیسم آمریکا و هندستاش به ایران. آنها بدون گروگان ها هم برای عملی کردن نقشه هایشان کوشیده و خواهند کوشید.

تخصص

تکلیف روشن است. در گروه دوم که ضد انقلابی است، باز تکلیف روشن است. و در گروه سوم که تخصص دارد، ولی ضد انقلابی نیست و در ضمن ایمن انقلابی هم ندارد، باید با برقراری نظارت ارگان های انقلابی، تخصص آنان را با ایمن ایمن تکمیل و مستدرج و در نهایت صبر و تحمل و مدارا و هشاری کوشید تا این گروه کادرها نیز به راه انقلاب و خلق در آیند و از اسارت بنشین های ضد خلقی رژیم گذشته خلاص شوند.
در حالات استثنائی که تلفیق این دو حنمت در یک شخص و یا برقراری نظارت انقلابی امکان پذیر نیست و میان تخصص و ایمن فقط یکی را باید انتخاب کرد - در چنین حالاتی باید به حنمت ایمن انقلابی و تصبد انقلابی ترجیح داد، زیرا ایمن و تصبد انقلابی، می تواند ضربه به نهاد های انقلابی را خنثی سازد و در مدت زمان همین تقصه عدم تخصص را حبران کند.
و سرانجام نکته ای که از نظر آینده انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از همه مهمتر است، تربیت کادرنویین انقلابی است. تا انقلاب فرهنگی که باید نامحتوای ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب ما منطبق باشد، انقلاب می باید طبق یک برنامه سنجیده علمی، به بهترین و سریع ترین شکل کادری خود را تربیت کند. فقط در چنین صورتی است که می توان به مرحله ای رسید که دیگر طرح سؤال: تخصص با ایمن انقلابی، راشد گردد، زمانی که کادرنویین تخصصی انقلابی به اندازه کافی خواهیم داشت.

بسیار از صفحه ۳
انقلابی می نامیم.
این گروه قابل استفاده هستند. ولی به چند شرط:
شرط اول، سپردن کار به آنها تحت نظارت ارگان های انقلابی است. بدون چنین نظارتی، سپردن کارهای مسئولیت دار به اینگونه کادرها به هیچ وجه جایز نیست. اینگونه کادرها را باید بطور منظم و بر حسب نتایج مشخص فعالیت و کار آنها، مورد بازرسی قرار داد. با دستور و سرپرستی به آنها راهنمایی و کمک کرد و اگر خرد نخوردند باید آنها را تغییر داد.
شرط دوم، کار مداوم تربیتی و تصبد تربیتی انقلابی با این افراد است. یعنی باید در جریان کار، به کمک دلسوزانه و برادرانه، همان ارگان های نظارت انقلابی و به کمک خود همین افراد، آنها را به تماشای یک انسان بازسازی و بسازی کرد.
شرط سوم اینست که هرگز نباید امکان داد که این نوع کادرها تسلط خود و هم سواری را بر مونس های و با ادارای و پهنادی برقرار کنند.
خلاصه، نظر اینست که هم تخصص و هم ایمن به یک اندازه حائز اهمیت است. در گروه اول که هم تخصص و هم ایمن وجود دارد،

نمایشگاه، گامی در افشای جنایات رژیم بعثی عراق



همزمان با تهاجم نظامی رژیم بعثی عراق از طرف اعضاء و هواداران حزب توده ایران در مشهد نمایشگاهی بنام «گامی در افشای جنایات رژیم بعثی عراق» در این شهر دایر شد. در این نمایشگاه از جنایات و فداکاریهای خلق به خواست ایران، زندانیان و غیره ای سلاح در جنگ و از یکدیگر کمونیستها و نیروهای دمکرات عراق علیه رژیم بعثی و اتحاد یکپارچه خلق ایران پوسترها و تصاویر و نوشته های آگاه کننده و پرشوری بنمایش گذاشته شده بود که مورد استقبال مردم قرار گرفت.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت ها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ و دلالان و مختکرانست

برقراری هر چه زودتر مناسبات دیپلماتیک با جمهوری دمکراتیک خلق یمن بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانست

جمهوری دمکراتیک خلق یمن از دیرباز یار و متحدوفادار خلقهای رزمنده ایران بوده است. جمهوری دمکراتیک خلق یمن یارها پشتیبانی خود را از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در عمل نشان داده است.

تجاوز نظامی دارودسته خائن صدام حسین به ایران، که به تحریک امپریالیسم امریکا، به منظور براندازی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته، یار دیگر مرز میان دوستان و دشمنان واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را، چه در منطقه و چه در سطح جهانی، مشخصتر کرد. کشورهای جبهه پایداری، الجزایر، لیبی، سوریه، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین، که خود آماج نقشه‌های تجاوزی و توطئه‌های امپریالیسم امریکا و دستیار آن دولت صهیونیستی اسرائیل و دیگر رژیمهای دستنشانده امریکا در منطقه هستند، همچنانکه از نخستین روز پیروزی انقلاب، پشتیبانی همه‌جانبه خود را از جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده‌اند، پس از تهاجم نظامی جنایتکارانه دارودسته صدام خائن به ایران، بدفاع از جمهوری اسلامی ایران برخاستند، تجاوزکار را محکوم کردند و برای هرگونه کمک به جمهوری اسلامی ایران اعلام آمادگی کردند.

جمهوری دمکراتیک خلق یمن در زمان رژیم شاهملعون قاطمانه علیه سیاستهای ضد مردمی دستنشاندهگان امریکائی در منطقه موضعگیری کرده، جنایات شاه علیه انقلابیون ایران و نیز سرکوب جنبشهای آزادیبخش در منطقه را توسط ارتش مزدور شاه محکوم می‌کرد، به انواع راهها به انقلابیون ایران در مبارزاتشان علیه رژیم شاه ملعون یاری میرساند و از مبارزات آنان دفاع میکرد. بخاطر همین دفاع پرشور از مبارزات مردم ایران در راه کسب استقلال و آزادی و اعتراض به سیاستهای ضد خلقی رژیم دستنشانده شاهملعون بود که جمهوری دمکراتیک خلق یمن آماج توطئه رژیم سفاک شاهملعون قرار گرفته بود. جمهوری دمکراتیک خلق یمن بلافاصله پس از پیروزی انقلاب صدامپریالیستی و خلقی ایران بطور قاطع، سریع و روشن به دفاع از آن برخاست. این کشور با تأکید بر عظمت و نقش تعیین کننده‌ای که انقلاب ایران بر رشد جنبشهای رهاییبخش در سراسر منطقه و برهم خوردن تعادل نیروها در سطح منطقه و جهان بنفع نیروهای انقلابی و آزادیبخش گذاشته است، پیروزی انقلاب ایران را سرپایه‌ای قاطع بر یکر امپریالیسم امریکا و متحدینش در منطقه ارزیابی کرد و با تمام قوا به حمایت از آن پرداخت. در همین زمینه صالح محمد صالح، وزیر امور خارجه جمهوری دمکراتیک خلق یمن، در سخنانی با روزنامه النهار، درباره دولت انقلابی ایران می‌گوید: «ما خواهان برقراری روابط حسنه میان ایران و خلقهای عرب براساس قنایم متقابل و مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و صهیونیسم هستیم» (۱۷ مهر ۵۸)

جمهوری دمکراتیک خلق یمن پشتیبانی از انقلاب ایران را در مجامع بین‌المللی و در تماسهای دیپلماتیک با مقامات کشورهای دیگر نیز دنبال کرده است. در ۲۹ آبان ۵۸، در پایان دیدار هیات حزبی و دولتی جمهوری دمکراتیک آلمان از جمهوری دمکراتیک خلق یمن، دو کشور طی بیانه مشترکی از انقلاب رهاییبخش ایران حمایت کردند. در اعلامیه مشترک دو هیات آمده بود: «انقلاب ایران به حکومت جایزانه شاه مخلوع پایان داد و بدین ترتیب ایران دیگر نقش ژاندارم منطقه را، که برای کشور تحمیل شده بود، بازی نمی‌کند»

در ۲۹ دی ۵۸، علی احمد ناصر، انتقار و وزیر دفاع این کشور، در مجلس نیابتی در آریس آبابا، پایتخت اتیوپی، گفت: «همه نیروهای صلح دوست باید با قاطعیت تمام در مقابل دستاویز امپریالیسم، که هدف آن لطمه زدن به انقلاب افغانستان و انقلاب ایران است مقاومت ورزند...»

یمن دمکراتیک، که یکی از فعالین جنبش پایداری خلقی عرب است، در چارچوب فعالیتهای جبهه پایداری علیه تجاوزات رژیم مزدور صهیونیستی اسرائیل به حقوق خلقهای عرب، که بدستور و با نقشه امپریالیسم امریکا صورت می‌گرفت و میگیرد، دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را بیگانه دنبال می‌کند. کنفرانس سران کشورهای این جبهه، یعنی سران جمهوری لیبی، سوریه، جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین، که در روز ۲۴ فروردین ۵۹ در طرابلس تشکیل شده بود، پشتیبانی همه‌جانبه دول خود را از انقلاب مردم ایران اعلام کردند. در این کنفرانس تظاهراتی امپریالیسم امریکا برای تحریم اقتصادی و مداخله نظامی علیه ایران بشدت محکوم شد. سران این کشورها همچنین درباره تأکید عمومی مبارزه و هرآنهنگی اقدامات و تشریک سامی علیه توطئه‌های مصر و اسرائیل، که با پشتیبانی امپریالیسم امریکا صورت می‌گیرد، بحث و گفتگو کردند. علی‌ناصر محمد نخست‌وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن، در یک دیدار رسمی با حافظ اسد، رئیس‌جمهوری سوریه، ضمن بحث در مورد لزوم تقویت جبهه پایداری، قاطمانه سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا در خاورمیانه و نزدیک راه، که متوجه کشورهای مستقل منطقه از جمله ایران است، محکوم کرد.

علی‌ناصر محمد در دیدار دیگری که با یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین و نیز با رهبران جبهه دمکراتیک خلق برای آزادی فلسطین داشت، لزوم درهم شکستن توطئه‌های امپریالیستی و صهیونیستی علیه خلقهای منطقه، از جمله خلق ایران را مورد تأکید قرار داد.

جمهوری دمکراتیک خلق یمن، که در تمام مجامع بین‌المللی

بیکرانه از انقلاب ایران در مقابل دسیسه‌ها و تجاوزات امپریالیسم امریکا و متحدینش حمایت می‌کرد، پس از تجاوز نظامی امریکا به ایران، این عمل را بشدت محکوم کرد و بانگ دفاع از ایران را در جهان طنین‌انداز کرد. از جمله در سینار بین‌المللی جوانان و دانشجویان دمکرات، که از تاریخ ۲۲ تا ۲۵ اردیبهشت ۵۹ در عدن برگزار شد، علی‌ناصر محمد، صدر شورای وزیران جمهوری دمکراتیک خلق یمن، طی نطقی در مورد تجاوز علیه جمهوری اسلامی ایران گفت:

«امپریالیسم امریکا سالیست در منطقه به خرابکاری مشغول است... اخیراً جهانیان خبر جنایت وحشیانه امپریالیسم امریکا علیه مردم ایران را شنیدند. توطئه‌های امپریالیسم امریکا علیه پیروزمند ایران منجر به انجام چنین عمل احمقانه‌ای شد، عملی که از سوی یمن دمکراتیک و همه خلقهای آزادی‌دوست و همه نیروهای صلح‌دوست در سراسر جهان بیهوشانه یک خطر جدی برای مناسبات بین‌المللی محکوم گردید. ما معتقدیم که پیروزی کبیر مردم ایران و افغانستان در سرنگونی رژیمهای ضد خلقی و استقرار حاکمیت مردم، یک پیروزی واقعی برای صلح در منطقه است. ولی امپریالیسم امریکا این پیروزی را تهدیدی برای سلطه استعماری خود می‌داند. امریالیسم و لارتجاع بین‌المللی پس از پیروزی انقلاب ایران و افغانستان با نقاب اسلامی به میدان آمدند و به تکرار افسانه «خطر شوروی» پرداخته‌اند. عوام‌فریبی‌ای که ماهیت آن برای همه خلقهای منطقه روشن است.»

در بیانیه مشترک اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن، که بدنبال تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا به ایران انتشار یافت، دو طرف قاطمانه با تحریکات نظامی و فشارهای سیاسی-اقتصادی علیه ایران مخالفت کردند و عملیات نظامی تجاوزکارانه امریکا در سرزمین ایران را بعنوان اقدام خشونت‌آمیز و نقض حاکمیت یک کشور مستقل محکوم نمودند. همچنین نماینده جمهوری دمکراتیک خلق یمن در کنفرانس بین‌المللی بررسی جنایات امریکا در ایران به جهانیان اعلام کرد:

«موقعیت‌های مداوم انقلاب ایران، امریکا را به انجام اقدامات جنون‌آمیز واداشته است، به حدی که آنها به عملیات نظامی رسوای خود در کوریا، لوت دست زدند، به این خیال خام که این ملت بزرگ را به‌زانو درآورند اما ملت ایران برهبری امام‌خیمینی پلخ دندان شکنی به این تجاوزات گستاخانه داد... ما در جمهوری دمکراتیک خلق یمن بیشترین احترام را برای انقلاب ایران قائلیم.»

به این ترتیب جمهوری دمکراتیک خلق یمن نشان داده که یار مطمئن و حامی راستین انقلاب ایران است و برای هرگونه همکاری با جمهوری اسلامی ایران در تمام زمینه‌ها آمادگی دارد و از داشتن روابط نزدیک با جمهوری اسلامی ایران استقبال می‌کند. این کشور در کنار کشورهای دیگر انقلابی منطقه در جبهه پایداری خلق عرب، که درگیر مبارزات همه‌جانبه با امپریالیسم امریکا و اسرائیل خاصه و جنایتکار است، بخوبی به نقش عظیم پیروزی انقلاب ایران در سطح منطقه و جهان واقف است و از همین‌روست که این چنین به دفاع از انقلاب ما پرداخته است. در تمام لفظاتی که انقلاب ما با دشواریهای بزرگ و کوچک روبرو بود - بعنوان مثال در هنگام تجاوز نظامی امریکا در طیس - جمهوری دمکراتیک خلق یمن آمادگی خود را برای کمک به جمهوری اسلامی ایران ابراز داشت. هنگام یورش همه‌جانبه نظامی-سیاسی دارودسته صدام، که بدستور و تشریک امپریالیسم امریکا و جهت براندازی جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت، جمهوری دمکراتیک خلق یمن، به‌سرامی سوریه، لیبی، الجزایر در جبهه پایداری خلق عرب بدفاع از انقلاب ایران پرداخت و آمادگی خود را برای همکاری با انقلاب ایران مجدداً اعلام کرد. رهبران جبهه پایداری به رابطه مستقیم جنگ تجاوزی رژیم جنایتکار صدام علیه جمهوری اسلامی ایران با توطئه‌های امپریالیسم امریکا علیه یمن و توطئه و نقشه‌های تجاوزگرانه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، و دولت صهیونیستی اسرائیل علیه کشورهای مستقل ملی و همه نیروهای ترقیخواه و صدامپریالیستی در این منطقه بخوبی واقف و نگران برآمدهای خطرناک این توطئه هستند. اتحاد و همبستگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عضو این جبهه و نیز با سازمان آزادیبخش فلسطین در پیروزی قلمی و نهایی انقلاب ایران و شکست توطئه‌های تجاوزگرانه امپریالیسم و ارتجاع علیه خلقهای منطقه نقش مهمی بازی می‌کند. جمهوری اسلامی ایران بایستی با شناخت دوستان انقلاب خود در سطح جهان صف متشکل و مستحکم در مقابل دستاویز امپریالیسم ایجاد کند و با نیروی عظیم و بالقوه‌ای که در تمامی جهان بطور یکپارچه به دفاع از انقلاب ایران برخاسته‌اند، روابط نزدیک و صمیمانه‌ای برقرار کند، تا بتواند این نیروی عظیم را برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب به خدمت گیرد.

در این میان داشتن روابط نزدیک و مناسبات دیپلماتیک با کشورهای انقلابی منطقه و از آنجمله کشورهای که از دیرباز، یعنی از زمانیکه نطفه‌های مبارزه علیه رژیم دستنشانده و جنایتکار شاه معدوم شکل می‌گرفت، به دفاع و حمایت از مبارزین انقلابی ایران پرداختند، اهمیت بیشتری دارد. جمهوری دمکراتیک خلق یمن از جمله این کشورهاست. منافع جمهوری اسلامی ایران مطلبی که روابط جمهوری اسلامی ایران با کشور انقلابی و دوست، جمهوری دمکراتیک خلق یمن هر چه بیشتر گسترش یابد، بگذار اتحاد خلقهای دلیر و رزمنده ایران و جمهوری دمکراتیک خلق یمن مشت محکمی بر دهان امپریالیسم جنایتکار امریکا و مزدورانش در منطقه باشد.

رفیق قهرمان...

بقیه از صفحه ۶
برداشت، ولسی باز در غلطید. لفظهای بدم، رزمندگان دیگری به کمک آمدند و رفیق حجت را بر سر دست گرفتند. او چشمانش را باز کرد و گفت: فکر منن نباشید. فکر آن برادر مسلمان مجروح باشید. او را به بیمارستان برسانید.

رفیق حجت جهان را به روشنی تمام میدید. از میان غبار و آتش و خون به میهمانی مرگ میرفت و میدانست چرا می‌رود. در راه فریاد می‌زد:

رفیق حجت تونده ایران! مرگ بر امریکا!

من افتخار مرگم توندهای هستم!

رفیق حجت حریفان من...! در بیمارستان معلوم شد که گلوله دشمن قامت رفیق را از هم دریده است. در همان لحظات اول برای جلوگیری از گسترش سوختگی قفسر، یک دست چپ و ۳ انگشت رفیق را قطع کردند.

پای چپش هم شکسته و قطعه‌ای از گلوله در زیر شش او خانه کرده بود. با اینهمه رفیق سرشار از عشق و نیرو بود چشمانش می‌خندید. وقتی رفقا به دیدارش رفتند و گفتند:

رفیق حجت ما به تو افتخار می‌کنیم... حجت لبخند شیرین زد و گفت: «ما به حزب پرافتخاران، ما به حزب توده ایران، به حزب روزه و تیزایی، به حزب سیاهک و وارطان افتخار می‌کنیم. ما به اینکه در راه آرمان زحمتکشان می‌رویم، افتخار می‌کنیم.»

رفیق، وقتی دید مادرش می‌گریه، گفت: «مگره تکن مادر. بخند بخند مادر. مرگ ما بهائی است که برای آزاد کردن وطن از یوغ امپریالیسم می‌پردازیم. مرگ من، مرگ ما، خود آن زندگیست که پرچم آزادی زحمتکشان را بر بام جهان برمی‌افرازد.»

بعد خندید: «اما، اما... من نمی‌میرم مادر. من تونده می‌مانم و دوباره به جبهه برمی‌گردم.»

ولی رفیق حجت در سحرگاه روز اول آبان ۱۳۵۹ چشم بر این جهان فرو بست و در حالیکه با آخرین نیروی حیاتی ززمه

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا و دستیاران آن در منطقه و جهان، که بدستور و تشریک امپریالیسم امریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت، جمهوری دمکراتیک خلق یمن، به‌سرامی سوریه، لیبی، الجزایر در جبهه پایداری خلق عرب بدفاع از انقلاب ایران پرداخت و آمادگی خود را برای همکاری با انقلاب ایران مجدداً اعلام کرد.

رهبران جبهه پایداری به رابطه مستقیم جنگ تجاوزی رژیم جنایتکار صدام علیه جمهوری اسلامی ایران با توطئه‌های امپریالیسم امریکا علیه یمن و توطئه و نقشه‌های تجاوزگرانه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، و دولت صهیونیستی اسرائیل علیه کشورهای مستقل ملی و همه نیروهای ترقیخواه و صدامپریالیستی در این منطقه بخوبی واقف و نگران برآمدهای خطرناک این توطئه هستند.

اتحاد و همبستگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عضو این جبهه و نیز با سازمان آزادیبخش فلسطین در پیروزی قلمی و نهایی انقلاب ایران و شکست توطئه‌های تجاوزگرانه امپریالیسم و ارتجاع علیه خلقهای منطقه نقش مهمی بازی می‌کند. جمهوری اسلامی ایران بایستی با شناخت دوستان انقلاب خود در سطح جهان صف متشکل و مستحکم در مقابل دستاویز امپریالیسم ایجاد کند و با نیروی عظیم و بالقوه‌ای که در تمامی جهان بطور یکپارچه به دفاع از انقلاب ایران برخاسته‌اند، روابط نزدیک و صمیمانه‌ای برقرار کند، تا بتواند این نیروی عظیم را برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب به خدمت گیرد.

در این میان داشتن روابط نزدیک و مناسبات دیپلماتیک با کشورهای انقلابی منطقه و از آنجمله کشورهای که از دیرباز، یعنی از زمانیکه نطفه‌های مبارزه علیه رژیم دستنشانده و جنایتکار شاه معدوم شکل می‌گرفت، به دفاع و حمایت از مبارزین انقلابی ایران پرداختند، اهمیت بیشتری دارد. جمهوری دمکراتیک خلق یمن از جمله این کشورهاست. منافع جمهوری اسلامی ایران مطلبی که روابط جمهوری اسلامی ایران با کشور انقلابی و دوست، جمهوری دمکراتیک خلق یمن هر چه بیشتر گسترش یابد، بگذار اتحاد خلقهای دلیر و رزمنده ایران و جمهوری دمکراتیک خلق یمن مشت محکمی بر دهان امپریالیسم جنایتکار امریکا و مزدورانش در منطقه باشد.

رفیق حجت حریفان من...! در بیمارستان معلوم شد که گلوله دشمن قامت رفیق را از هم دریده است. در همان لحظات اول برای جلوگیری از گسترش سوختگی قفسر، یک دست چپ و ۳ انگشت رفیق را قطع کردند.

پای چپش هم شکسته و قطعه‌ای از گلوله در زیر شش او خانه کرده بود. با اینهمه رفیق سرشار از عشق و نیرو بود چشمانش می‌خندید. وقتی رفقا به دیدارش رفتند و گفتند:

رفیق حجت ما به تو افتخار می‌کنیم... حجت لبخند شیرین زد و گفت: «ما به حزب پرافتخاران، ما به حزب توده ایران، به حزب روزه و تیزایی، به حزب سیاهک و وارطان افتخار می‌کنیم. ما به اینکه در راه آرمان زحمتکشان می‌رویم، افتخار می‌کنیم.»

رفیق، وقتی دید مادرش می‌گریه، گفت: «مگره تکن مادر. بخند بخند مادر. مرگ ما بهائی است که برای آزاد کردن وطن از یوغ امپریالیسم می‌پردازیم. مرگ من، مرگ ما، خود آن زندگیست که پرچم آزادی زحمتکشان را بر بام جهان برمی‌افرازد.»

بعد خندید: «اما، اما... من نمی‌میرم مادر. من تونده می‌مانم و دوباره به جبهه برمی‌گردم.»

ولی رفیق حجت در سحرگاه روز اول آبان ۱۳۵۹ چشم بر این جهان فرو بست و در حالیکه با آخرین نیروی حیاتی ززمه

مرگ بر امریکا!
رفیق حجت تونده ایران!
جان خویشی را نثار انقلاب و آرمانش کرد.

رفیق شهید حجت ثوابتاری در سال ۱۳۳۹، در یک خانواده کارگری در آبادان بدنیا آمد. وی در سالهای ۱۳۵۵ به مبارزات کارگران نقت آشنا شد و به فعالیت سیاسی پرداخت. او در محفل‌های بحث و گفت و گو و کتابخوانی شرکت می‌کرد و با آغازگری درباره رژیم شاهملعون و انتقال آگاهی سیاسی به محیط زندگی خود، سهم خویش را به مبارزات توده‌ها آنا می‌کرد.

با آغاز انقلاب پرشکوه ایران، رفیق حجت توانست از نزدیک با فعالیت گروههای سیاسی آشنا شود و در استانه پیروزی انقلاب، در آذرماه ۱۳۵۷ به حزب توده ایران پیوست.

رفیق حجت، که در این موقع در انستیتو تکنولوژی شیراز، در رشته راه و ساختمان تحصیل می‌کرد، در ارتباط با سازمان حزب توده ایران در شیراز، به بحث، تدوین و دیگر فعالیتهای حزبی پرداخت. بعد از پیروزی انقلاب فعالیت او با شور تمام ادامه یافت. بدنبال فرارخوان کبیت مرکزی حزب توده ایران برای شرکت در جنگ علیه رژیم جنایتکار صدام، رفیق حجت بیدرنگ به صف اول جبهه رفت و در خونین‌شهر به رزم رویاروی با خصم پرداخت و سرانجام هم جان خویش را نثار کرد.

هنگامیکه بیکر خونین رفیق را به خاک می‌سپردند، مادرش خطاب به رفقای او گفت:

حجت مال مردم بود. مال عظیمش بود. مال حزبی بود. او به همان راهی که میخواست رفت. او در جنگ با دشمن خارجی برای دفاع از وطن شهید شد. ما به شما و به حجت افتخار می‌کنیم.

و اکنون رفیق حجت، باقافله شهدای توده‌ای در راهت، قافله‌ای که شقایق و آزادی به قله تاریخ میرود.

و اکنون توده‌ای راه رفیق شهید خود را بر لفظ ای درنگ، تا نابودی دشمن اصلی خلقهای جهان شیطان بزرگ - امریکا ادامه می‌دهند.

بر اثر شیبخون مدافعان...

را منهدم و چندتن از آنان را به هلاکت رساندند. در این نبرد یک خمپاره‌انداز دشمن نیز توسط رزمندگان ما به‌قیمت گرفته شد.

به گزارش خیرگزارای پارس، سحرگاه دیروز در شیبخون رزمندگان ما به مواضع دشمن در امتداد جاده‌های آبادان-ماهشهر و آبادان-ماهواز، ۳ سنگر و یک نفر مزدوران بمب عراق منهدم شد و چند مزدور بمبی به هلاکت رسیدند. در این عملیات که با پشتیبانی آتش توپخانه صورت گرفت، کلیه مبارزان به سلامت به پایگاههای خود بازگشتند.

براساس این گزارش، مزدوران صدامی به دنبال این حمله شبانه، حدود یک کیلومتر دیگر از مواضع اشغالیشان عقب‌نشینی کردند.

این گزارش همچنین حاکیست که «توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران در طول دیشب و صبح امروز (جمعه شب و صبح شنبه) سنگرها و ستونهای دشمن را در امتداد جاده‌های آبادان - ماهشهر و آبادان - ماهواز، زیر آتش خود قرار دادند.»

طبق یک گزارش خیرگزارای پارس در طول هفته گذشته، سه تن از افراد ارتش عراق، که به انقلاب اسلامی ایران پیوسته و از طریق اربوردورد قصد داشتند، خود را به ساحل ایران برسانند، در رودخانه فرخ و دوتن دیگر از این گروه به ساحل رسیدند... این دوتن که یک نفر از آنان سرگرد و دیگری درجه‌دار ارتش عراق است، اظهار داشتند تصاد زیاد نظامیان عراق در ارتش بمب. از اوضاع داخلی عراق و رژیم صدام تکریش خائن قاراضیند و مایلند به انقلاب اسلامی پیوندند، لکن امکانات خروج و گریز از ارتش صدام را ندارند.

استراتژی سلاح هسته‌ای جدید آمریکا، کشورهای در حال رشد را با خطر جدی روبرو میکند

در سند محرمانه وزارت دفاع آمریکا، امکان استفاده از سلاح هسته‌ای در صورت حمله به ایران پیش‌بینی شده است

استراتژی هسته‌ای جدید امریالیسم آمریکا، که طی رهنمود شماره ۵۹ رئیس جمهور آمریکا اعلام گردیده، کوشش تازه‌ایست از جانب هارتترین محافل تجاوز و جنگ طلب امریالیسم آمریکا برای تشدید و خامت اوضاع بین‌المللی. این تلاش صلح و امنیت بسیاری از مناطق جهان را با خطری مهلک تهدید میکند.

در شرایطی که زمامداران آمریکا از انقلابهای اجتماعی در کشورهای آسیا و آفریقا و روی کار آمدن رژیمهای مترقی در کشورهای آمریکای لاتین سخت نگران و نازنی هستند، نقشه‌های ماجراجویانه هسته‌ای واشنگتن بیش از پیش خطرناک میشود.

سیاستمداران آمریکا، برغم در سبب ریتام، همچنان تلاش دارند که مطلقاً یا توسط به نیروی نظامی در روند رویدادهای جهانی اعمال نفوذ کنند. دولت آمریکا از هیچ تلاشی برای مداخله نظامی در ایران و افغانستان فروگذار نمیکند. تشدید و گسترش تدارکات جنگی و حضور نظامی آمریکا در ناحیه اقیانوس هند، استقلال و امنیت کشورهای این منطقه را مورد تهدید و در معرض خطر تجاوز مسلحانه قرار داده است. فراموش نباید کرد که فاجعه هیروشیما و ناکازاکسی نمونه‌های دهشتناکی از استراتژی نوین هسته‌ای آمریکا برای کاربرد محدود و منطقه‌ای سلاح هسته‌ای است.

این نکته را هم باید دلتست که رهبران مائوئیستی چین با سیاست ماجراجویانه و سلطنت گرانه خود، واشنگتن را در تدارکات جنگی و گسترش مسابقه تسلیحاتی تشویق و ترغیب میکنند و خود در این زمینه دستیار واشنگتن هستند. از سوی دیگر استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا بمنزله موافقت واشنگتن با نظریه مائوئیستی ناکزیرسری جنگ موشکی و هسته‌ای جهانی و تحقق یافتن به این نظریه است.

ولی اجرای سیاست تجاوزگرانه و جنگ طلبانه آمریکا که با دستیاری پکن انجام می‌گیرد، در برابر مقاومت و مبارزه خلقها و تمام نیروهای صلح دوست و ترقیخواه، با مشکلات و موانع جدی روبرو شده و میشود.

استراتژی هسته‌ای جدید ایالات متحد آمریکا با اهداف و آرمانهای خلقهای کشورهای در حال رشد مغایرت کامل دارد. این استراتژی محیط بین‌المللی را مسموم میکند، مانع از بیسن رفتن کانونهای خطرناک و خامت

دیگر به همین نتیجه رسیده بود که میگفت:

«ما نباید فراموش کنیم که با ایجاد پایگاه نظامی آمریکا در کشورمان، ما به آماج و شاد به عمده‌ترین آماج حملات احتمالی تبدیل میشویم»

در حال حاضر، پایگاه‌های تاسیسات نظامی آمریکا در سرزمین کشور-های دیگر، که خط مقدم جبهه ناییده میشوند و طبق مستطقی فرماندهان نظامی آمریکا، علیه اتحاد شوروی هدفگیری شده‌اند، بیش از پیش به پایگاه استقرار واحدهائی از نیروهای واکنش-یغ تبدیل میشوند که مأموریت اصلی آنها، عملیات سرکوبگرانه علیه جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و رژیمهای مستقل ملی در کشورهای در حال رشد است.

چنانکه میدانیم، کزتر رئیس جمهور آمریکا، مناطق خاور دور و خاور نزدیک و حوزه خلیج فارس را به عنوان مناطق اعلام کرده است که ایالات متحد آمریکا در این مناطق منافع حیاتی مهمی برای خود قائل است و قصد دارد از این منافع یا توسط به نیروی نظامی و از جمله سلاح هسته‌ای دفاع کند.

اندیشه وارد کردن فوری هسته‌ای محدود از سال ۱۹۵۴ (۱۳۳۳) ژنرالهای آمریکا را دچار وسوسه کرده است، یعنی از زمانیکه آمریکا در نظر داشت ویتنام را مورد بمباران هسته‌ای قرار دهد.

شاید بجز هم، زمانیکه وزیر دفاع ایالات متحد آمریکا بود، استفاده از سلاح اتمی علیه جمهوری دموکراتیک خلق کوبا را توصیه میکرد. و اکنون دوباره واشنگتن با اعلام استراتژی جدید هسته‌ای قصد دارد در روابط خود با کشورهای در حال رشد سیاست شانتاژ و تهدید اتمی و تحکم و زورگویی گستاخانه را اعمال کند. چندی پیش در مطبوعات آمریکا خبری درباره یک سند محرمانه وزارت دفاع آمریکا منتشر شد، در این سند محرمانه امکان استفاده از سلاح هسته‌ای در صورت حمله به ایران پیش‌بینی شده بود.

کشورهای آسیائی مستقر شده و ۲۵۰۰ واحد سلاح اتمی در نوار-های جنگی آمریکا است، که بخش اعظم آنها در آبهای اقیانوس هند و اقیانوس آرام و یا در پایگاه-های دریائی آمریکا در کشور-های در حال رشد در آسیا و آفریقا استقرار یافته‌اند.

خط مشی سیاسی و نظامی تدوین شده از جانب واشنگتن بطور ناگزیر به تشدید تدارکات جنگی و گسترش حضور نظامی آمریکا در مناطق مختلف جهان منجر میشود. ایجاد پایگاههای نظامی هوائی و دریائی جدید آمریکا در منطقه اقیانوس هند، خاور نزدیک و در منطقه شاخ آفریقا موید این واقعیت است.

امریالیسم آمریکا در سرزمین کشورهای در حال رشد، علاوه بر پایگاههای نظامی، انبارهای اسلحه و مهمات و ذخایر مواد سوخت و به احتمال قوی سلاحهای اتمی ایجاد میکند. امریالیسم آمریکا با استفاده از حقوق بیرون مرزی که بر رژیمهای دست نشانده خود تحمیل کرده، پایگاههای نظامی و انبار مهمات خود را در خاک این کشورها بصورت یک واحد مستقل در آورده، که دولت و مقامات مسئول این کشورها حق هیچگونه دخل و تصرف و یا نظارتی بر آنها ندارند. ایالات متحد آمریکا علاوه بر پایگاههای نظامی و انبارهای مهمات در سرزمین کشورهای آسیا و آفریقا و استرالیا، دارای یک سری تاسیسات استراتژیست و کنترل الکترونی، تاسیسات هدایت زیر دریائیهای اتمی و تاسیسات کسب اطلاعات و جاسوسی در این مناطق است. طبق استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا، پیش‌بینی شده است که، در صورت پیدایش «خطر»، نخستین ضربات هسته‌ای به این تاسیسات وارد خواهد آمد و کشورهای کنه آمریکا در آنجا پایگاه نظامی و انبار مهمات و تاسیسات نظامی دارد، عملاً به گروگان واشنگتن تبدیل میشوند. حتی جرجیل که خود یکی از طراحان جنگ سرد بود، در سال ۱۹۵۱ (۱۳۳۰) در مورد ایجاد پایگاههای نظامی آمریکا در سرزمین کشورهای

اما در آلمان هم ایالات متحد امریکا ناگزیر بود عکس العمل احتمالی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را در قبال یک چنین اقدام ماجراجویانه‌ای بصباب بیاورد و احتمال همین عکس العمل است که واشنگتن را از خود بیخود میکند و تمام حملات تبلیغاتی خود را علیه سیاست صلح جویانه اتحاد شوروی متوجه میسازد و تمام تلاش خود را بکار می‌بندد تا تناسب موجود نیروهای نظامی را بوسیله اقدامات جدید در تشدید مسابقه تسلیحاتی و تخریب در مذاکرات مربوط به محدود کردن سلاحهای استراتژیک، برهم زند و برتری نظامی بر اتحاد شوروی را برای خود تضمین سازد.

واشنگتن با اعلام استراتژی هسته‌ای جدید، بیهوده به خود امیدواری میدهد که بدینوسیله بتواند زرادخانه هسته‌ای خود را، بدون ترس از مجازات، برای حل مسائل بین‌المللی به نفع خود مورد استفاده قرار دهد. در ضمن واشنگتن، برغم منافع خلقها، میکوشد کشورهای در حال رشد را به فتنه‌های تجاوز کارانه هسته‌ای خود جلب کند و در واقع خلقهای این کشورها را به گروگانهای خود تبدیل سازد.

طراحان فتنه‌های نظامی آمریکا، ضمن تلقین نظریات مربوط به «قابل قبول» بودن جنگ هسته‌ای و امکان استفاده «محدود» و «منطقه‌ای» از سلاح هسته‌ای، تلاش دارند که خطر و پیامدهای چنین جنگی را از خاک ایالات متحد آمریکا دور سازند.

و سرزمین کشورهای دیگر را، که پایگاههای سلاح هسته‌ای پتانگون وزارت دفاع آمریکا در آنها استقرار یافته، به آماج این سلاح تبدیل سازند. این تصمیم آمریکا در آن کشورهای باختری، که ذخایر بزرگی از سلاحهای آمریکائی در خاک آنها انباشته شده و در نظر است سلاحهای هسته‌ای جدید در آنها استقرار باید، نگرانی روز-افزونی برمی‌انگیزد. استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا آن کشور-های در حال رشد را، که وسائل نظامی آمریکائی خط اول جبهه، از قبیل زیر دریائیهای موشک-اندازه ناوهای هواپیمابر با هوا-پیماهای حامل سلاح اتمی، در سرزمین و یا آبهای مجاور با سرزمین آنها استقرار دارند نیز در معرض خطر قرار میدهد. در ایستورد سیاستمداران واشنگتن تلاش دارند که از این واقعیت کمتر کسی با خبر شود که، فقط

نیمی از ذخایر سلاحهای هسته‌ای آمریکا در سرزمین خود ایالات متحد امریکاست و نیم دیگر این ذخائر سلاحهای هسته‌ای در پایگاههای نظامی آمریکا در سر-زمین کشورهای دیگر استقرار یافته‌اند. طبق محاسبه، یک هزار و هفتصد واحد سلاح اتمی آمریکا در کره جنوبی، فیلیپین و دیگر

زمامداران ایالات متحد امریکا با پایمال کردن موازین و اصول پیمان «ضالت ۱ و ضالت ۲» (پیمان محدود کردن سلاح استراتژیک) و دیگر قراردادهای و پیمانهاییکه میان ایالات متحد امریکا و اتحاد شوروی منعقد شده است، استراتژی هسته‌ای جدید خطرناکی را اعلام میکنند. با آنکه هدف عمده این استراتژی هسته‌ای علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است، اما این استراتژی در عین حال برای همه کشورهای در حال رشد نیز خطراتی جدی در بر دارد. نیات امریالیسم آمریکا برای زیر سلطه قرار دادن کشورهای مستقل ملی و سرکوب جنبشهای رهایی‌بخش خلقها، اندیشه تدوین نقشه‌های شیطانی تازمانی را در او برمی‌انگیزد. یکی از نمودارهای چنین کوششی واکنش امیرالیسم امریکانست به تصمیم کشورهای صادر کننده نفت در سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) بود. وزیر امور خارجه وقت آمریکا، کیسینجر، این کشورها را به مداخله نظامی تهدید نمود و اعلام کرد:

«ایالات متحد امریکا موفق است صدور نفت ارزان به جهان غرب را با اشغال نظامی خلیج فارس تضمین کند»

میشود و بخش اعظم امتیازات مالی را به سابقه تسلیحاتی جلب میکند و کشورهای در حال رشد را از امتیازاتی که میتوانند صرف توسعه و رشد اقتصاد ملی آنان گردد، محروم میسازد. جلب کشورهای در حال رشد به تشدید مسابقه تسلیحاتی در وضع اقتصادی و اجتماعی این کشورها تأثیرات منفی و زیانباری دارد. بهین علت است که اکثریت نمایندگان کشورهای در حال رشد در جلسه نهائی اجلاس به مجمع عمومی سازمان ملل متحد مربوط به مسائل اقتصادی، روی پیوند و تأثیر متقابل روند حل مشکلات اقتصادی و توسعه روابط بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی و بازرگانی با پیشرفت امر استحکام مبنای صلح و خاتمه دادن به مسابقه تسلیحاتی، تأکید داشتند.

استراتژی هسته‌ای جدید امریکا در عمل همه ابتکارات صلح-جویانه برای سالم سازی محیط بین‌المللی از جنب کشورهای در حال رشد، از آنجمله تبدیل فاجعه اقیانوس هند و منطقه جنوب خاوری آسیا به منطقه صلح را، که مورد حمایت اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است، عقیم میگذارد.

اتحاد شوروی و دیگر کشور-های سوسیالیستی ضمن محکوم کردن کلیه نقشه‌های تجاوزی امریالیسم آمریکا بارها اعلام کرده‌اند که با گسترش و ادامه مسابقه تسلیحاتی کاملاً مخالفتند. این کشورها صراحتاً خواستار آن هستند که به سابقه تسلیحاتی پایان داده شود تولید سلاحهای هسته‌ای و موشکی محدود گردد، تا خطر جنگ هسته‌ای، که خلقهای جهان را تهدید میکند، از میان برداشته شود.

اتحاد شوروی بارها اعلام کرده است که نسبت به خاک دیگران چشم ندارد، در امور داخلی هیچ کشوری مداخله نمی‌کند، اما همیشه قادر است از حقوق و منافع قانونی خود دفاع کند. رهبر اتحاد شوروی، لتوید برزف در این مورد تأکید کرد: «ما در برابر استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا، که همه خلقهای جهان را با خطری جدی تهدید میکند، سیاست همزیستی مسالمت آمیز و تنخیزدانی را قرار می-دهیم و برای مذاکرات دایره محدود کردن سلاحهای هسته‌ای آماده‌ایم. بنظر ما این یگانه راه معقول برای حفظ صلح و حل و فصل مسائل بفرج بین‌المللی و بلخنگوی آرمانهای و افر خلقهای کشورهای در حال رشد است»

کشورهای امریالیستی در تلاش برای نابودی روند آزادی ملی در خاورمیانه هستند

روزنامه مسرتو آرد، ارگان کمیته مرکزی کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی نوشت: «امریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا تلاش دارد جهان را به دوران شوم جنگ سرد بازگرداند و بنابراین تشنج در روابط میان کشورها را افزایش می‌دهد و خطر فاجعه هسته‌ای را بوجود می‌آورد» این روزنامه می‌افزاید: «صفت مشخصه سیاست امروزی قدرتهای غربی افزایش بر سابقه مخارج نظامی، گسترش تبالود نظامی و برافروختن شعله درگیریهای مسلحانه در نقاط مختلف جهان است». به نوشته این روزنامه «کشورهای امریالیستی فعالانه در رویدادهای خاورمیانه مداخله کرده و تلاش می‌کنند روند آزادی ملی را در این منطقه سرکوب کنند و کشورهای منطقه را برای قورت هر چه بیشتر ثروتمندان تحت سلطه خود در آورند» این روزنامه تأکید می‌کند «دقیقاً در این رابطه است که باید ایجاد پایگاههای جدید آمریکا در خلیج فارس، اقیانوس هند و دریای سرخ را مورد توجه قرار داد»



مقامات آمریکایی به سرکوب اقلیتهای ملی در کشور اعتراف می‌کنند

پامپا، عضو برجسته وزارت دادگستری آمریکا، اعتراف کرد که جنگ اعلام نشده علیه سازمانهای اقلیت ملی در سراسر کشور جریان دارد. وی، که در نیویورک سخن می‌گفت، یادآور شد که خستونتهای پلیس علیه اقلیتها، به تظاهرات اخیر سیاهان، امریکائیان مکزیکی‌الاسل و دیگر اقلیتها منجر شده است. پامپا افزود: «تظاهرات اقلیتها نسبت به سال پیش ۹۱٪ افزایش یافته است» البته این مقام وزارت دادگستری آمریکا، مانند همه سخنگویان امریکا، در سخنان خود به علل اصلی اعتراض اقلیتها، که همانا فقر روزافزون، بیکاری و دیگر بدبختیهای مبتلابه جوامع سرمایه-داری است، هیچگونه اشاره‌ای نکرده است.

نامه مردم

ارگان کزتری حزب دموکرات ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ اندر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست)

NAMEH MARDOM

No. 376
23 November 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر یا نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۱۳/۲۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران